

حامی عدالت

هفته نامه
سراسری

• یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲
• سال چهارم • شماره ۱۳۳
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

در جلسه شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم به ریاست
حجت الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای مطرح شد

تبیین و تشریح
علل شکل‌گیری جرائم
در حوزه اراضی



رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران قوه قضاییه:

صدور مجوزها و پروانه وکالت از ۲ سال به شش ماه کاهش یافت

صلاحیت‌های عمومی این آزمون بر اساس ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری در بهمن و اسفند سال گذشته انجام شد.

وی تصریح کرد: از ۲۰ تا ۳۰ فروردین ماه نیز فرآیند انتخاب حوزه قضایی برای داوطلبان انجام شد و هم‌زمان از ۲۰ فروردین ماه پذیرفته‌شدگانی که فرآیند استعلامات، تحقیقات و تایید صلاحیت ایشان تکمیل شد بتدریج جهت طی کارآموزی به مراکز استانی معرفی شدند. عبدالیان پور با بیان اینکه تا کنون داوطلبان ۱۳ استان به مراکز معرفی شده‌اند، گفت: تمامی پذیرفته‌شدگان که پیامک مراجعه به مراکز استانی دریافت کرده‌اند می‌توانند با مراجعه به سامانه جذب نسبت به رویت حوزه قضایی که موفق به پذیرش شده‌اند، اقدام کنند.

رئیس مرکز وکلا کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه خطاب به پذیرفته‌شدگانی که هنوز پیامکی جهت تشکیل پرونده برای آن‌ها ارسال نشده، گفت: اندک پذیرفته‌شدگان این ۱۳ استان که تا کنون پیامک مراجعه جهت تشکیل پرونده دریافت نکردند نگران نباشند چرا که ممکن است نقص پرونده داشته باشند یا استعلامات قانونی آن‌ها تکمیل نشده باشد که قطعاً این مشکل نیز از طریق ارسال پیامک به آن‌ها اطلاع داده شده و در قالب گروه دوم مجدداً به مراکز استانی جهت طی کارآموزی معرفی خواهند شد.



با حذف ظرفیت عددی و تعیین نصاب شناور
جهت قبولی، بیش از ۱۰۶۰۰ نفر در آزمون
سال گذشته پذیرفته شده‌اند و فرآیند
احراز صلاحیت‌های عمومی این آزمون
بر اساس ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه
وکالت دادگستری در بهمن و اسفند سال
گذشته انجام شد.

حامی عدالت: رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه گفت: بنا داریم با ارتقای زیرساخت‌ها، صدور مجوزها، مدت زمان فرآیند احراز صلاحیت عمومی و اعطای پروانه را در آزمون‌های بعدی به سه ماه کاهش دهیم.

وی گفت: مرکز قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار را با تمام ظرفیت خود در حداقل زمان ممکن اجرا کرده و خواهد کرد و پیرو تأکیدات ریاست قوه قضاییه مبنی بر کاهش مدت زمان گزینش‌ها و دغدغه نمایندگان مجلس در کاهش مدت زمان صدور مجوزها، مدت زمان فرآیند احراز صلاحیت عمومی و اعطای پروانه توسط مرکز از دو سال در سنوات گذشته به شش ماه در آزمون کنونی تقلیل یافته است.

رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران قوه قضاییه ادامه داد: بنا داریم که با ارتقای زیرساخت‌ها، این مدت زمان را در آزمون‌های بعدی به سه ماه کاهش دهیم.

وی با بیان اینکه قوه قضاییه نیز در راستای تکلیف قانونی خود همواره بر حسن اجرای این قانون نظارت کامل داشته است، گفت: آزمون وکالت سال ۱۴۰۱ مرکز وکلا در اردیبهشت ماه سال گذشته برگزار و نتایج نهایی آن به محض دریافت استفساریه این قانون در شهریور ماه اعلام شد.

عبدالیان پور گفت: بر این اساس با حذف ظرفیت عددی و تعیین نصاب شناور جهت قبولی، بیش از ۱۰۶۰۰ نفر در آزمون سال گذشته پذیرفته شده‌اند و فرآیند احراز

پشت پرده حمله‌ها به مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده

وکیل، کارشناس و مشاور خانواده در تراز انقلاب اسلامی را از وظایف اصلی خود می‌داند. این نهال نوپای انقلاب با رهنمودهای روسای معزز قوه قضاییه و مدیران جهادی و اعضای ارزشی امروز بیشتر از هر زمان دیگر خود را در کنار مردم می‌بیند.

هر زمان که پذیرش جذب کارآموز وکالت توسط مرکز صورت می‌گیرد و یا هر زمان که اعضای در مساجد سراسر کشور به ارائه خدمات حقوقی می‌پردازند هر زمان که آموزش‌های حقوقی شهروندی و تخصصی توسط مرکز به مردم و اعضای ارائه می‌گردد همه‌ها به مرکز و شخص رئیس آن فزونی می‌یابد. اما اعضای مرکز با هر حمله‌ای مستحکم‌تر شده و با قدرت بیشتر و با برنامه‌ریزی دقیق‌تر راهشان را ادامه خواهند داد و این مردم هستند که اجازه نخواهند داد غرب‌گرایان به حقوقشان تجاوز نمایند.

حقوقی به مردم سهل و دسترسی مردم به وکیل آسان گردد و برای احقاق حقوق جامعه، دیگر وکالت لاکچری نباشد. مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده آنچنان در دل مردم جای گرفته است که وقتی نام این مرکز را می‌شنوند احياء و صیانت از حقوق عامه برایشان تداعی می‌گردد.

وقتی نام مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده برده می‌شود احساس آرامش به مردم به عنوان ولی نعمتان این انقلاب دست می‌دهد که کمتر آن را تجربه کرده بودند. آری؛ صیانت از حقوق مردم و در کنار مردم نشستن به حرفشان گوش دادن هزینه دارد.

وقتی در کنار مردم باشی و مردم را در کنار خود حس کنی و در جهت احقاق حقوق مظلومان برآئی سنگ‌پرانی که هیچ تیرهای زهرآلود هم از سوی غرب‌گرایان به سویت خواهد آمد. مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده، تربیت

حامی عدالت: به قول شهید استاد مرتضی مطهری: «به قطار ایستاده سنگ نمی‌زنند به قطار در حال حرکت سنگ می‌زنند.»

در این روزها مجدداً حمله و سنگ‌پراکنی‌ها توسط برخی غرب‌گرایان به مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده به عنوان تنها نهاد ملی ارائه‌کننده خدمات حقوقی در جامعه بیشتر شده است.

مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه به عنوان نماد انقلابی متولد گام اول انقلاب پس از بیست سال به آنچنان نبوغ و آگاهی برای خدمت‌رسانی به مردم دست یافته است که برخی غرب‌گرایان و وکیل‌نماها با نماد غربی تاب تحمل آن را ندارند.

مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه توسط فرزندان انقلاب برای آن متولد شده تا ارائه خدمات

در جلسه شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم به ریاست حجت الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای مطرح شد

تبیین و تشریح علل شکل‌گیری جرائم در حوزه اراضی

نیز تعریف واحدی وجود ندارد؛ اینکه آیا دیوارکشی اراضی زراعی و باغی، تغییر کاربری محسوب می‌شود یا خیر؟ اینکه آیا یک تفکیک در اراضی کشاورزی، تغییر کاربری محسوب می‌شود یا خیر؟ فرض کنید یک زمین ۱۰ هکتاری زراعی میان ورثه تقسیم شده است؛ طبق قانون در برخی از موارد، این تفکیک‌های صورت گرفته، تغییر کاربری محسوب می‌شوند؛ اینها مواردی است که هم برای مردم و هم برای سازمان‌های مربوطه در حوزه صیانت از اراضی، مشکل ایجاد می‌کند.

قاضی‌القضات در ادامه افزود: مهم قبل از تغییر کاربری است و همه برنامه ریزی‌ها باید معطوف به این موضوع باشد در مواردی پس از رفع تصرف و تخریب و قلع‌وقمع ساختمان و بنای ایجاد شده، بازگرداندن اراضی زراعی به حالت اولیه غیرممکن است و وضعیت ناهنجاری را در آن محوطه از لحاظ انباشت نخاله‌های ساختمانی ایجاد می‌کند و چه بسا، مالک آن زمین کشاورزی نیز پس از چند سال مجدداً با گرفتن مجوزی، به ساختن بنا در زمین خود مبادرت ورزد؛ بنابراین اینگونه می‌شود که علی‌رغم کار و زحمتی که صورت می‌گیرد، نتیجه و هدف مطلوب در حوزه صیانت از اراضی حاصل نمی‌گردد.

رئیس قوه قضائیه در ادامه همین مبحث، بیان داشت: در مواردی نیز حکم قلع‌وقمع و تخریب مستحذانه‌ای که غیرقانونی ایجاد شده صادر می‌شود اما با تصمیم شورای تأمین منطقه مربوطه و به لحاظ ابعاد اجتماعی، حکم مزبور اجرایی نمی‌گردد. رئیس عدلیه افزود: در مواردی نیز با وعده‌های متعارض داده شده از ناحیه اعضاء و نمایندگان هر سه قوه مواجه هستیم؛ فی‌المثل یک دولتمرد یا یک نماینده مجلس یا یک مسئول قضایی در سفر به استان یا منطقه‌ای با استماع مطالب و مشکلات کشاورزان آن منطقه، این مطالبه و درخواست را مطرح می‌کند که به آن کشاورزان اجازه ساخت‌وساز یا دریافت انشعابات آب و برق داده شود؛ مسئول دیگری از جنبه دیگری به این موضوع می‌نگرد و صدور مجوز ساخت‌وساز و دریافت انشعابات برای کشاورزان آن منطقه را مغایر با جهات لازم دیگری می‌بیند؛ بنابراین مشاهده می‌کنید که ما در حوزه صیانت از اراضی با مجموعه‌ای از مسائل مواجه هستیم.

رئیس شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم در ادامه ضمن اشاره به برخی تعارضات و خلأهای قانونی که در مقوله صیانت و حفاظت از اراضی زراعی وجود دارد به معاونت‌های حقوقی قوای مجریه و قضائیه تکلیف کرد تا ظرف سه ماه نسبت به اتخاذ تدابیر لازم برای برطرف کردن این تعارضات و خلأهای قانونی، مبادرت ورزند.

وی همچنین وزیر دادگستری را مکلف کرد تمامی لوایح معطل مانده در حوزه صیانت و حفاظت از اراضی و منابع طبیعی در دولت و مجلس را احصاء و پیگیری کند و نسبت به اعلام و ابلاغ مصوبات اجرا نشده در این حوزه، اقدامات و تدابیر مقتضی صورت گیرد.

رئیس شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم، به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای رئیس دستگاه قضا و با سه دستور جلسه «ترسیم سیمای جرائم، دعوی و آسیب‌های اجتماعی کشور»، «ارزیابی روند اجرای مصوبات جلسه قبل» و «بررسی و تصویب تقسیم کار ملی پیشگیری از وقوع جرم غیرمجاز کاربری اراضی زراعی و باغات و تصرف اراضی ملی و دولتی» برگزار شد.

رئیس قوه قضائیه در بخشی از سخنانش در این نشست، به آسیب‌شناسی مقولات مرتبط با وقوع برخی جرائم، بویژه جرائم حوزه زمین پرداخت و در این رابطه به «خلأهای قانونی»، «موانع اجرای مصوبات و قوانین» و «عدم هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول» اشاره کرد.

رئیس دستگاه قضا با اشاره به تکالیف دستگاه‌های مختلف در حوزه صیانت از اراضی، مشخصاً به تکالیف و اختیارات قابل توجه وزارت جهاد کشاورزی در این حوزه اشاره کرد و ضمن تقدیر از اقدامات مطلوبی که طی دو سال اخیر از سوی وزارتخانه مزبور صورت گرفته است، تأکید کرد: مسئله زمین در کشور و جرائمی که در این حوزه به وقوع می‌پیوندد، این نیاز را طلب می‌کند که وزارت جهاد کشاورزی تلاش بیشتری را در عرصه صیانت از اراضی و منابع طبیعی مصروف دارد.

رئیس عدلیه در همین رابطه به رئیس سازمان بازرسی کل کشور دستور داد با همکاری مسئولان جهاد کشاورزی، بدون ایجاد این احساس در آنها که قصد مچ‌گیری وجود دارد، تکالیف بر زمین مانده این وزارتخانه در حوزه صیانت از اراضی



به سازمان بازرسی کل کشور دستور می‌دهم با همکاری مسئولان جهاد کشاورزی، بدون ایجاد این احساس در آنها که قصد مچ‌گیری وجود دارد، تکالیف بر زمین مانده این وزارتخانه در حوزه صیانت از اراضی و منابع طبیعی را بررسی کنند و پیگیری مجدانه داشته باشند که چرا به تعدادی از این تکالیف عمل نشده است؟

منابع طبیعی را بررسی کنند و پیگیری مجدانه داشته باشند که چرا به برخی از این تکالیف عمل نشده است؟ آیا موانعی وجود داشته است؟ همچنین در همین حوزه، در موارد ترک فعل و سایر کوتاهی‌ها نیز، اقدامات مقتضی از جانب سازمان بازرسی صورت گیرد.

رئیس شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم در ادامه به وجود برخی ناهماهنگی‌ها میان دستگاه‌های مختلف در حوزه حفاظت از اراضی اشاره کرد و مشخصاً به یکی از معضلات چندین ساله این حوزه ناظر بر صدور مجوز از مراجع غیررسمی برای تغییر کاربری‌ها اشاره داشت؛ وی در همین راستا گفت:

چندین سال است این معضل وجود دارد که مراجعی نظیر شوراهای روستا و دهیاری‌ها اقدام به صدور مجوز برای تغییر کاربری اراضی در منطقه خود می‌کنند؛ این مراجع نامبرده، در حوزه صدور مجوز تغییر کاربری اراضی، مراجع رسمی به شمار نمی‌آیند لذا ضروری است مقامات ذی‌صلاح دولتی اعم از معاون اول رئیس‌جمهور یا وزیر کشور با صدور ابلاغیه‌ای، جلوی مجوز صادر کردن‌های این مراجع غیررسمی را بگیرند و تمهیدات مقتضی را فراهم آورند تا صدور مجوزهای تغییر کاربری با مرجع واحد باشد.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در ادامه به تبیین و تشریح برخی علل شکل‌گیری جرائم در حوزه اراضی و معضلاتی که در این مقوله وجود دارد پرداخت و گفت: مردم در بسیاری از زمین‌هایی که در اختیار دارند اعم از اراضی زراعی یا مراتع، دارای «ید» هستند و چندین دهه بصورت آبا و اجدادی، آن زمین را در اختیار داشته‌اند؛ برخی نیز دارای اسناد عادی در قبال آن اراضی هستند؛ از سویی دیگر سازمان منابع طبیعی، این اراضی را در زمره منابع طبیعی به شمار می‌آورد و از همین حیث معضلات و مشکلاتی پدیدار می‌شود.

وی ادامه داد: بعضاً مسائلی که بواسطه تقسیمات کشوری، تعیین محدوده و حریم شهرها، روستاها و شهرک‌ها و جابجایی این حریم‌ها ایجاد می‌شود، زمینه‌ساز شکل‌گیری و وقوع جرم در حوزه اراضی می‌شود.

رئیس دستگاه قضا افزود: بعضاً درخصوص تغییر کاربری اراضی

رئیس دستگاه قضا ضمن قدردانی از وزارت جهاد کشاورزی بواسطه اقدامات مجدانه در حوزه صیانت از اراضی ظرف ۲ سال اخیر؛ بر همین اساس به سازمان بازرسی کل کشور دستور می‌دهم با همکاری مسئولان جهاد کشاورزی، بدون ایجاد این احساس در آنها که قصد مچ‌گیری وجود دارد، تکالیف بر زمین مانده این وزارتخانه در حوزه صیانت از اراضی و منابع طبیعی را بررسی کنند و پیگیری مجدانه داشته باشند که چرا به تعدادی از این تکالیف عمل نشده است؟ آیا موانعی وجود داشته است؟ همچنین در همین حوزه، در موارد ترک فعل و سایر کوتاهی‌ها نیز، اقدامات مقتضی از جانب سازمان بازرسی صورت گیرد

اشاره رئیس شورای عالی پیشگیری

از وقوع جرم به وجود برخی ناهماهنگی‌ها میان دستگاه‌های مختلف در حوزه حفاظت از اراضی؛ چندین سال است این معضل وجود دارد که مراجعی نظیر شوراهای روستا و دهیاری‌ها اقدام به صدور مجوز برای تغییر کاربری اراضی در منطقه خود می‌کنند؛ این مراجع رسمی به شمار نمی‌آیند لذا ضروری است مقامات ذی‌صلاح دولتی اعم از معاون اول رئیس‌جمهور یا وزیر کشور با صدور ابلاغیه‌ای، جلوی مجوز صادر کردن‌های این مراجع غیررسمی را بگیرند و تمهیدات مقتضی را فراهم آورند تا صدور مجوزهای تغییر کاربری با مرجع واحد باشد

رئیس دستگاه قضا با اشاره به برخی تکالیف قانونی برای بهره‌گیری از سامانه‌های هوشمند در دستگاه‌های مختلف و تأثیر این امر در پیشگیری از وقوع جرائم در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه زمین؛ متأسفانه علی‌رغم هزینه‌ها و اقدامات صورت گرفته در امر ایجاد سامانه‌های هوشمند در دستگاه‌های مختلف، هنوز آن بهره کافی از این هوشمندسازی صورت نگرفته است و یکی از دلایل این موضوع نیز می‌تواند ناشی از عدم اتصال این سامانه‌ها به یکدیگر بواسطه فقدان زیرساخت‌های لازم و برخی نگرانی‌های مرتبط با امنیت داده‌ها و اطلاعات دستگاه‌ها باشد؛ علی‌الاجل ضروری است اقدام عاجلی در این حوزه صورت گیرد تا اثرات آن، در مقوله پیشگیری از وقوع جرائم نیز آشکار شود.

نشست شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم، به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای رئیس دستگاه قضا و با سه دستور جلسه «ترسیم سیمای جرائم، دعوی و آسیب‌های اجتماعی کشور»، «ارزیابی روند اجرای مصوبات جلسه قبل» و «بررسی و تصویب تقسیم کار ملی پیشگیری از وقوع جرم غیرمجاز کاربری اراضی زراعی و باغات و تصرف اراضی ملی و دولتی» برگزار شد.

رئیس قوه قضائیه در بخشی از سخنانش در این نشست، به آسیب‌شناسی مقولات مرتبط با وقوع برخی جرائم، بویژه جرائم حوزه زمین پرداخت و در این رابطه به «خلأهای قانونی»، «موانع اجرای مصوبات و قوانین» و «عدم هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول» اشاره کرد.

رئیس دستگاه قضا با اشاره به تکالیف دستگاه‌های مختلف در حوزه صیانت از اراضی، مشخصاً به تکالیف و اختیارات قابل توجه وزارت جهاد کشاورزی در این حوزه اشاره کرد و ضمن تقدیر از اقدامات مطلوبی که طی دو سال اخیر از سوی وزارتخانه مزبور صورت گرفته است، تأکید کرد: مسئله زمین در کشور و جرائمی که در این حوزه به وقوع می‌پیوندد، این نیاز را طلب می‌کند که وزارت جهاد کشاورزی تلاش بیشتری را در عرصه صیانت از اراضی و منابع طبیعی مصروف دارد.

رئیس عدلیه در همین رابطه به رئیس سازمان بازرسی کل کشور دستور داد با همکاری مسئولان جهاد کشاورزی، بدون ایجاد این احساس در آنها که قصد مچ‌گیری وجود دارد، تکالیف بر زمین مانده این وزارتخانه در حوزه صیانت از اراضی

صورت نگرفته است و یکی از دلایل این موضوع نیز می‌تواند ناشی از عدم اتصال این سامانه‌ها به یکدیگر بواسطه فقدان زیرساخت‌های لازم و برخی نگرانی‌های مرتبط با امنیت داده‌ها و اطلاعات دستگاه‌ها باشد؛ علی‌الاحتمال ضروری است اقدام عاجلی در این حوزه صورت گیرد تا اثرات آن، در مقوله پیشگیری از وقوع جرائم نیز آشکار شود.

گفتنی است در این جلسه، معاون اول رئیس‌جمهور، معاون اول قوه قضائیه، دادستان کل کشور، وزیر اطلاعات، وزیر کشور، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، رئیس دیوان محاسبات، رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، معاون حقوقی رئیس‌جمهور، رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، رئیس پلیس امنیت اقتصادی و جمعی دیگر از معاونین دستگاه‌های عضو شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم حضور داشتند.

وزیر کشور: ضرورت دارد برای اجرای اقدامات مقتضی در حوزه پیشگیری از تصرفات اراضی ملی و دولتی و همچنین تغییر غیرمجاز کاربری اراضی زراعی، راهکارهایی همراه با ضمانت اجرایی قوی در نظر گرفته شود

دادستان کل کشور: طبق قانون، وزارت جهاد کشاورزی به مجرد آنکه متوجه تصرف اراضی ملی و دولتی یا تغییر غیرمجاز کاربری اراضی زراعی شد باید با حضور دادستان یا نماینده دادستان، از این اتفاق جلوگیری کند

معاون حقوقی رئیس‌جمهور: در رابطه با مقوله مقابله با تغییر غیرمجاز کاربری اراضی کشاورزی شاهد هستیم که قانون در برخی موارد سخت‌گیری داشته و در برخی دیگر از موارد، موضوع را سهل گرفته است و ضرورت دارد که این قوانین و مقررات اصلاح شوند

رئیس دیوان محاسبات: متأسفانه بعضاً شاهد هستیم که سامانه‌های متعدد در حوزه مالی، هیچ ارتباطی با هم ندارند؛ در اسفند ماه سال جاری، پایگاه جامع مالی و گردآوری اطلاعات مالی را راه‌اندازی می‌کنیم تا همه دستگاه‌ها به این پایگاه متصل شوند

دبیر شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم مطرح کرد: خلع ید از ۲۶۹ هزار و ۹۹۵ هکتار از اراضی ملی کشور طی ۱۲ سال گذشته به وسیله اجرای احکام قضایی / پیشرفت اجرای طرح کاداستر و ایجاد سامانه «ثبت من»، راه‌اندازی سامانه «عدل» جهت دسترسی آسان به اوراق پرونده‌های قضایی از سوی مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه، راه‌اندازی سامانه سبیا (سامانه یکپارچه احکام قضایی)، تکمیل پایگاه اطلاعات مدیریت پرونده در واحدهای قضایی، بهره‌برداری از سامانه سبیل محکومیت‌های مالی و همچنین راه‌اندازی سامانه مربوط به استعلام وضعیت تمکن مالی اشخاص مدعی اعسار، از اقدامات دستگاه قضا و سازمان‌های تابعه قوه قضائیه در راستای «ارتقاء شفافیت» و «کاهش تعارض منافع» طی مدت اخیر است / از سال ۱۳۹۶ تا سال ۱۴۰۰، مجموعاً ۹۷۷ هزار فقره پرونده در خصوص جرایم حوزه زمین در دستگاه قضایی به ثبت رسید که در این میان، استان‌های چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، مازندران، ایلام و گیلان، بیشترین تعداد پرونده‌ها را به خود اختصاص دادند.

پیش از سخنان رئیس قوه قضائیه، مخبر معاون اول رئیس‌جمهور با اشاره به ضرورت مقوله ارتقاء و اتقان آمار در بخش‌های مختلف گفت: دولت موضوع ساماندهی، ارتقاء و اتقان مقوله «آمار» پیرامون شاخص‌های مختلف کشور را در دستور کار دارد.

وحدیدی وزیر کشور نیز در این جلسه تصریح کرد: ضرورت دارد برای اجرای اقدامات مقتضی در حوزه پیشگیری از تصرفات اراضی ملی و دولتی و همچنین تغییر غیرمجاز کاربری اراضی زراعی، راهکارهایی همراه با ضمانت اجرایی قوی در نظر گرفته شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین منتظری دادستان کل کشور با بیان اینکه دستگاه‌های اجرایی مسئول در امر مقابله با تصرف اراضی ملی و دولتی و تغییر غیرمجاز کاربری اراضی زراعی، در اجرای وظایف خود کوتاهی کرده‌اند، گفت: طبق قانون، وزارت جهاد کشاورزی به مجرد آنکه متوجه تصرف اراضی ملی و دولتی یا تغییر غیرمجاز کاربری اراضی زراعی شد باید با حضور دادستان یا نماینده دادستان، از این اتفاق جلوگیری کند.

دبیر شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم با اشاره به مهمترین عوامل تهدید و تخریب اراضی زراعی در کشور:

عدم بازدارندگی قوانین و مقررات موجود، جرم‌زا بودن برخی از مفاد قوانین و مقررات، سیاست‌های نادرست دولت‌ها در گذشته در حوزه کشاورزی و همچنین به صرفه نبودن فعالیت‌های کشاورزی در مقایسه با سایر فعالیت‌ها، مهمترین عوامل تهدید و تخریب اراضی زراعی در کشور هستند.

وی تصریح کرد: چنانچه در موضوع تصرف اراضی ملی و دولتی و تغییر غیرمجاز کاربری اراضی زراعی، احتیاج به اصلاح قانون وجود دارد، این اصلاح باید در اسرع وقت صورت بگیرد.

خداییان رئیس سازمان بازرسی نیز خواستار تشکیل کارگروهی جهت احصاء قوانین متعارض و متناقض در حوزه تصرفات اراضی ملی و تغییر غیرمجاز کاربری اراضی زراعی و ارائه پیشنهادات لازم از سوی این کارگروه برای اصلاح این قوانین شد.

خاندوری وزیر اقتصاد نیز در این جلسه با اشاره به اقدامات این وزارتخانه در دو مقوله «ارتقاء شفافیت» و «کاهش تعارض منافع» گفت: شفاف‌سازی صورت مالی هزار و ۲۲۰ شرکت دولتی و همچنین الکترونیکی شدن کلیه فرآیندهای ابلاغ و اعتراض مالیاتی، از جمله اقدامات صورت گرفته توسط وزارت اقتصاد در دو مقوله «ارتقاء شفافیت» و «کاهش تعارض منافع» محسوب می‌شود.

وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت: تعیین تکلیف هرچه زودتر مقوله اسناد عادی و رسمی، موجب کاهش پرونده‌های قضایی و همچنین کاهش فرآیندهای مالیاتی در کشور می‌شود.

رحیمی وزیر دادگستری نیز در صحبت‌های خود، خواستار عملکرد قاطعانه دستگاه‌های ذی‌ربط در اجرای ماده ۱۰ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین پژمانفر رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی نیز در این جلسه به بیان توضیحات و ارائه آمار و ارقامی در خصوص تصرفات اراضی و ساخت باغ‌ویلاها در حاشیه رودخانه زاینده‌رود و زمین‌های دو استان تهران و خراسان رضوی پرداخت.

دهقان معاون حقوقی رئیس‌جمهور نیز در این جلسه با اشاره به جرم زمین‌خواری به ویژه در اطراف شهرهای بزرگ گفت: در حوزه‌های تصرف اراضی ملی و دولتی و تغییر غیرمجاز کاربری اراضی زراعی، به شدت نیازمند قوانین بازدارنده و برخورد جدی و قاطعانه با مجرمان هستیم.

وی افزود: در رابطه با مقوله مقابله با تغییر غیرمجاز کاربری اراضی کشاورزی شاهد هستیم که قانون در برخی موارد سخت‌گیری داشته و در برخی دیگر از موارد، موضوع را سهل گرفته است و ضرورت دارد که این قوانین و مقررات اصلاح شوند.

سردار رحیمی رئیس پلس امنیت اقتصادی نیز در این جلسه خواستار تناسب بخشیدن میان جرایم رخ داده با هزینه‌هایی شد که مجرمان ملزم به پرداخت آن هستند و در ادامه تصریح کرد: ضرورت دارد که در دو حوزه «ارتقاء شفافیت» و «کاهش تعارض منافع»، امکانات، ابزار و سازوکارهای لازم در اختیار فراجا قرار بگیرد.

دستغیب رئیس دیوان محاسبات نیز در این جلسه ضمن تایید سخنان رئیس قوه قضائیه در خصوص ضرورت یکپارچه‌سازی سامانه‌های هوشمند دستگاه‌های مختلف گفت: متأسفانه بعضاً شاهد هستیم که سامانه‌های متعدد در حوزه مالی، هیچ ارتباطی با هم ندارند.

وی افزود: در ماه اسفند سال جاری، پایگاه جامع مالی و گردآوری اطلاعات مالی را راه‌اندازی می‌کنیم تا همه دستگاه‌ها به این پایگاه متصل شوند.

حجت‌الاسلام غزنفرآبادی رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس نیز در این جلسه بر پرهیز از تصمیم‌گیری‌های جزیره‌ای در حوزه تغییر کاربری اراضی زراعی تاکید کرد.

محمدی رئیس سازمان زندان‌ها نیز در این جلسه خواستار برخوردهای بازدارنده با تصرفات و تغییر کاربری‌های اراضی در

زمان آغاز وقوع این نوع از جرایم شد. جهانگیر دبیر شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم در این جلسه با بیان اینکه اراضی ملی یک ثروت عمومی و متعلق به همه مردم و نسل‌های آینده است که باید از آن به درستی حفاظت شود، گفت: متأسفانه طی سالیان اخیر روند تصرف اراضی ملی و دولتی و تغییر غیرمجاز کاربری اراضی زراعی رو به افزایش بوده است.

وی با بیان اینکه کل اراضی ملی و دولتی کشور ۱۳۶ میلیون هکتار است که برای ۱۲۵ میلیون هکتار آن سند حدنگاری صادر شده است، گفت: در ۱۲ سال گذشته ۵۴۴ هزار هکتار از جنگل‌ها و مراتع کشور تخریب یا تصرف غیرقانونی شده‌اند و طی همین مدت بیش از ۱۷۷ هزار فقره پرونده در این رابطه در محاکم قضایی تشکیل شده است؛ در سال ۱۴۰۱ بیش از ۵۰ هزار هکتار از جنگل‌ها و مراتع کشور مورد تخریب یا تصرف غیرقانونی قرار گرفتند و در همین رابطه بیش از ۱۶ هزار و ۵۰۰ فقره پرونده در محاکم قضایی تشکیل شد.

جهانگیر در ادامه از خلع ید از ۲۶۹ هزار و ۹۹۵ هکتار از اراضی ملی کشور طی ۱۲ سال گذشته به وسیله اجرای احکام قضایی خبر داد.

وی همچنین با بیان اینکه تا امروز ۳۶ درصد اراضی زراعی کشور حدنگاری شده‌اند، گفت: عدم انجام تکالیف قانونی سازمان‌های ذی‌ربط در حوزه‌های «تعیین حریم شهری و روستایی»، «تعیین حریم ریلی و بندر»، «تعیین حریم کامل رودخانه‌ها و راه‌ها» و همچنین «تعیین تکلیف اراضی وقفی»، از دلایل عمده حدنگاری نشدن ۱۰ میلیون هکتار از اراضی زراعی کشور تا امروز است.

دبیر شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم با اشاره به مهمترین عوامل تهدید و تخریب اراضی زراعی در کشور گفت: عدم بازدارندگی قوانین و مقررات موجود، جرم‌زا بودن برخی از مفاد قوانین و مقررات، سیاست‌های نادرست دولت‌ها در گذشته در حوزه کشاورزی و همچنین به صرفه نبودن فعالیت‌های کشاورزی در مقایسه با سایر فعالیت‌ها، مهمترین عوامل تهدید و تخریب اراضی زراعی در کشور هستند.

وی افزود: از سال ۱۳۹۶ تا سال ۱۴۰۰، مجموعاً ۹۷۷ هزار فقره پرونده در خصوص جرایم حوزه زمین در دستگاه قضایی به ثبت رسید که در این میان، استان‌های چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، مازندران، ایلام و گیلان، بیشترین تعداد پرونده‌ها را به خود اختصاص دادند.

دبیر شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم همچنین در این جلسه به ارائه ۱۳ پیشنهاد در حوزه پیشگیری از تغییر غیرمجاز کاربری اراضی زراعی و باغات و تصرف اراضی ملی و دولتی پرداخت.

جهانگیر در بخش دیگری از صحبت‌های خود روند اجرای مصوبات جلسه پیشین شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم در دو بخش «ارتقاء شفافیت» و «کاهش تعارض منافع» را مورد ارزیابی قرار داد و گفت: تشکیل بانک اطلاعات مربوط به نظام جامع مالیاتی از سوی وزارت اقتصاد، تشکیل اداره بررسی صلاحیت حرفه‌ای مدیران نهادهای مالی و انتشار لیست کلی اوراق بدهی از سوی سازمان بورس، استقرار سامانه نظارتی برخط و راه‌اندازی پایگاه‌های داده ملی اعتبارسنجی توسط بانک مرکزی و راه‌اندازی سامانه شفاف‌سازی اطلاعات از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از جمله اقدامات صورت گرفته در راستای «ارتقاء شفافیت» و «کاهش تعارض منافع» طی مدت اخیر محسوب می‌شود.

وی با اشاره به ایجاد سامانه «ستاد ایران» از سوی دولت به منظور نظارت برخط بر معاملات دستگاه‌های اجرایی گفت: پیشرفت اجرای طرح کاداستر و ایجاد سامانه «ثبت من»، راه‌اندازی سامانه «عدل» جهت دسترسی آسان به اوراق پرونده‌های قضایی از سوی مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه، راه‌اندازی سامانه سبیا (سامانه یکپارچه احکام قضایی)، تکمیل پایگاه اطلاعات مدیریت پرونده در واحدهای قضایی، بهره‌برداری از سامانه سبیل محکومیت‌های مالی و همچنین راه‌اندازی سامانه مربوط به استعلام وضعیت تمکن مالی اشخاص مدعی اعسار، از اقدامات دستگاه قضا و سازمان‌های تابعه قوه قضائیه در راستای «ارتقاء شفافیت» و «کاهش تعارض منافع» طی مدت اخیر است.

جهانگیر همچنین در این جلسه، به ارائه توضیحاتی در خصوص نرخ و میزان برخی جرایم و آسیب‌های اجتماعی نظیر «قتل عمد»، «خودکشی»، «خشونت، نزاع، درگیری و ضرب و جرح»، «اعتیاد و مواد مخدر»، «طلاق»، «تصادفات رانندگی» و «دستگیری متهمان» در سال ۱۴۰۱ پرداخت.

SEO

search engine optimization

سئو تضمینی کاملاً قانونی است!

محدوده مشخص مصداق کلاهبرداری است چرا که نمی‌توان نسبت به امری که متعلق فرد نیست تعهد داد و آن را موضوع عقد بیع یا هر عقد دیگری قرار داد که در ادامه به صحت قانونی این ادعا می‌پردازیم.

کسب رتبه تضمینی امروزه نه تنها در زمینه پروژه‌های سئو بلکه در زمینه‌های رقابتی بیش‌شماری مطرح است، که افراد با استفاده از تخصص خود به دریافت‌کنندگان خدمات مشاوره و آموزش داده و برای ایجاد حس اطمینان گاه به ارائه تضمین حتی به میزان کل مبلغ قرارداد می‌پردازند. نمونه این قراردادها را در زمینه کنکور و برخی رقابت‌های تجاری شاهد هستیم. طبق ماده ۱۹۱ ق. مدنی: «عقد محقق می‌شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند.»

لذا با توجه به این ماده صرف قصد طرفین برای تحقق عقد کفایت می‌کند و عقد صحیح است. در مقابل ادعایی که مورد معامله را متعلق به غیر، و آن را طبق ماده یک قانون فروش مال غیر، مصداق این جرم می‌داند. ماده ۱۹۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «در صورتی که ثمن یا مشمن معامله، عین متعلق به غیر باشد، آن معامله برای صاحب عین خواهد بود.»

نسبت به ادعای متعلق مال غیر بودن مورد معامله در قرارداد سئو تضمینی، در حقیقت رتبه، بین چند رقیب که هر کدام با تلاش و مهارت بیش‌تر امکان کسب آن را دارند، متعلق به شخص معینی نیست که آن را مال متعلق به غیر حساب آورده تا آن را از موارد ماده ۱۹۷ قانون مدنی بدانیم. برخی افراد نیز در این بین به مستندات گوگل اشاره می‌کنند:

همانطور که مشخص است سایت گوگل نیز در لینک راهنما صرفاً تضمین رتبه را امری غیرقطعی دانسته ولی واضح است که کسب رتبه یک غیرمقدور و نشدنی نیست و این نوشته فقط به کلاهبرداری از طریق روابط خاص با گوگل برای رتبه دهی و مواردی از این دست اشاره دارد و آن را منکر می‌شود.

حتی اگر فرض را بر این بگیریم که کسب این رتبه و حصول هدف این تضمین غیر ممکن است، طبق قانون مدنی ایران که در ماده ۲۳۲ مقرر نموده است، شرطی که انجام آن غیرمقدور باشد باطل است ولی مفسد عقد نیست. لذا حتی اگر از منظر حقوقی تضمینی که در ذیل عقد آمده، امکان اجرایی شدن نداشته باشد صرفاً باطل بوده و مبطل عقد نمی‌باشد. در نتیجه عقد آن قرارداد جرم نیست و برای طرفین هیچ مشکلی از منظر حقوقی ایجاد نمی‌شود. صرفاً در صورت عدم حصول شرط، اگر خسارتی در نظر گرفته شده باشد متعهد ملزم به پرداخت آن می‌باشد.

در اصل مورد معامله در این قراردادها رتبه مشخص برای

برخی از فعالین حوزه سئو، کسب رتبه تضمینی را مصداق جرم فروش مال غیر می‌دانند، و مدعی‌اند که تعهد به جایگاه یا محدوده مشخص مصداق کلاهبرداری است چرا که نمی‌توان نسبت به امری که متعلق فرد نیست تعهد داد و آن را موضوع عقد بیع یا هر عقد دیگری قرار داد.

روش متداول قراردادهای سئو در ایران و بحث اصلی مقاله حال حاضر قرارداد تضمین رتبه است که در ادامه به بررسی آن از منظر حقوقی می‌پردازیم.

در مورد قراردادهای تضمینی به طور کلی و مخصوصاً در زمینه قراردادهای سئو، پیشنهاد آن است که قرارداد پروژه‌ای محور و دارای فازهای کوتاه مدت جداگانه باشد؛ بدین نحو که:

مجری طرح بر اساس پروپوزالی که ارائه می‌دهد با توجه به تجربیات خود پیش‌بینی می‌کند در چه مدت زمان، سایت با کلمات مشخص شده در قرارداد در صفحات اول جستجو ممکن است رتبه کسب کند و کلیات تمامی روند فعالیت‌ها و اموری که قرار است در مدت زمان مشخص در طول قرارداد انجام دهد را تعیین می‌کند، اما قرارداد را به صورت پلکانی و کوتاه مدت به عنوان مثال ماهیانه منعقد می‌کند، مثلاً یک ماه اول قرارداد چند مورد مشخص را انجام دهد، گزارش تهیه و ارائه کند و در مقابل ماه‌ها توسط کارفرما پرداخت شود. در حین اجرای قرارداد در پایان هر یک از این فواصل کارفرما قادر است در صورت عدم رضایت از پیشرفت کار هر زمان اراده کرد این همکاری را قطع کند. البته با توجه به قرارداد می‌توان خسارت‌های وارده را نیز در نظر گرفت.

پرسش اساسی که در عمل و برای بخشی از مجریان و متخصصین امر در این زمینه پیش می‌آید، در مورد صحت و اعتبار و درستی این روش قرارداد از نظر قانونی است؛ آیا تضمین به کسب رتبه‌ای معین در بین تمام سایت‌های رقیب امری صحیح است؟

برخی از فعالین حوزه سئو، کسب رتبه تضمینی را مصداق جرم فروش مال غیر می‌دانند، و مدعی‌اند که تعهد به جایگاه یا

حامی عدالت: با روند افزایش کسب و کارهای اینترنتی، فعالیت‌های حول این شیوه فعالیت اقتصادی نیز رونق گرفته‌اند. سئو یا بهینه‌سازی سایت‌ها برای کسب رتبه‌های برتر در موتورهای جست و جو در اینترنت، و در ازای آن افزایش مخاطب و مشتری یکی از مهم‌ترین مسائلی است که امروزه چه از دید کارفرما و چه از دید افرادی که در حوزه بازاریابی اینترنتی کار می‌کنند، بسیار پررنگ شده است.

از آن‌جا که اکثر پروژه‌های حوزه سئو به صورت غیر حضوری (دورکاری) انجام می‌شود، کارفرماها برای اطمینان از تلاش فرد مسئول برای رساندن سایت به نتایج دلخواه، تمایل به عقد قراردادهای تضمینی دارند تا در صورت عدم حصول نتیجه مطلوب، ضرر و زیان کمتری متوجه آنها شود. ابتدا چند نمونه رایج از قراردادهایی که در زمینه سئو منعقد می‌گردد اشاره‌ای خواهیم داشت:

■ قرارداد افزایش اعتبار سایت:

بیشتر در خارج از کشور مرسوم است؛ طی آن سئوکار متعهد می‌شود در حوزه تخصصی فعالیت کارفرما، سایت مورد نظر را در رتبه‌های نخست جست و جو کلمات آن حوزه کاری در گوگل بیاورد و برای آن سایت اعتبار کسب کند، در چنین حالتی صرفاً اعتبار سایت مدنظر طرفین در قرارداد می‌باشد و کلمات خاصی در آن تعیین نمی‌شوند، اصولاً در ایران چنین قراردادی به ندرت ایجاد می‌گردد.

■ نوع دیگر قرارداد بر اساس تعداد بازدیدها از سایت:

در صورت اجرای اصولی تعهد باید کلمات خاصی مشخص شود و به واسطه رتبه بالای سایت در آن کلمات بازدید به صورت طبیعی و ارگانیک ایجاد شود، در غیر این صورت با تبلیغات یا حتی کلمات نامرتبط بازدید سایت افزایش خواهد یافت، در این بین حتی برخی از مجریان با استفاده از ربات‌ها ظاهراً آمار بازدید را افزایش می‌دهند که در واقع هیچ‌گونه تغییر اساسی رخ نداده و صرفاً در ظاهر بازدید بالا رفته است. پس کارفرماها بهتر است از این شیوه برای شرایط قرارداد استفاده نکنند. زیرا سئوکار می‌تواند با روش‌های غیرمفید هدف قرارداد را حاصل کند و به شاخص‌های مدنظر کارفرما برسد.

روش دیگر قرارداد تضمین رتبه است که به روش‌های گوناگونی منعقد می‌شود؛ اکثراً تضمین می‌شود رتبه سایت روی کلمه یا کلماتی خاص، لینک اول یا در صفحه اول گوگل حاضر شود، که در صورت عدم حصول نتیجه، خسارت یا ضمانت اجرایی تعیین شده باید پرداخت گردد. خسارت تعیین شده در این حالت می‌تواند درصدی از بهای پرداختی کارفرما باشد که با توجه به اقدامات صورت گرفته، معمولاً هزینه‌ها و امور دیگر از اصل بهای پرداختی کسر می‌شود.

سایت نیست، بلکه مهارت و اعتبار مجری برای حصول رتبه در مقابل حق الزحمه و هزینه‌های دریافتی می‌باشد. در خصوص هدف اصلی قرارداد، برخلاف تصور بسیاری از افراد، شرط تضمین رتبه جزو شروط نتیجه به حساب نمی‌آید! شرط تضمین رتبه را باید شرط فعل دانست چرا که از جمله اعمال حقوقی است که تحقق آنها علاوه بر اعلام رضایت و اعمال اراده طرفین نیازمند سبب خاصی است، مانند قراردادهای وکالت، آموزش و خدمات و ... که در آن مجری با اتکا به مهارت و دانش خود بهترین عملکرد و فعالیت را در خصوص رسیدن به نتیجه و هدف قرارداد اعمال می‌کند. توجه به چند نکته کاربردی در تنظیم شروط قراردادی تضمین رتبه ستو:

بند اول - طرفین و موضوع قرارداد

حتماً آدرس الکترونیک طرفین در قرارداد آورده شود تا هر بخش قرارداد و گزارش‌ها از این طریق ارسال و تأیید گردد.

بند دوم - مدت زمان قرارداد

تعیین فواصل مشخص برای ارائه امور مقرر، در این خصوص پیشنهاد می‌شود زمان قرارداد به چند بخش (حداقل سه بخش یا به صورت ماهانه) تقسیم شود و اموری که امکان اجرای آن در زمان تعیین شده است تعهد شود.

بند سوم - پرداخت

پرداختی به صورت ترکیبی از پیش پرداخت و اقساط، در این حالت هزینه‌های ابتدایی اجرا و دستمزد اولیه در مرحله انعقاد قرارداد پرداخت شده و اقساط معینی در طول قرارداد در فواصل زمانی مشخص با توجه به اجرای امور تعیین شده پرداخت خواهد شد.

بند چهارم - تعهدات طرف اول، شرکت و کارفرما:

شامل مواردی مانند: ارائه اطلاعات مورد نیاز در خصوص نحوه فعالیت و محصولات، اطمینان از سلامت‌هاست و دامنه در طول قرارداد، عدم همکاری با شخص یا شرکتی که بطور موازی فعالیتی مشابه مجری دارد و باعث ایجاد تداخل در کارها شود، عدم فعالیت‌های خودسرانه شامل خرید لینک و ...

بند پنجم - تعهدات طرف دوم، مجری:

تعهدات مجری باید به صورت مشخص و با جزئیات شرح داده شود و در قرارداد ذکر گردد. پیشنهاد می‌شود تعهدات به

بطور خلاصه، شرط تضمین رتبه در قراردادهای حوزه ستو را باید شرط فعل دانست و برخلاف تصور بسیاری از افراد، شرط نتیجه نمی‌باشد. چنین تضمینی در قرارداد از سوی هیچ یک از طرفین جرم نبوده ولی بهتر است بندهایی برای شرایط عدم حصول نتیجه یا فسخ قرارداد در نظر گرفته شود که طرفین خسارت جبران‌ناپذیری را متحمل نشوند.

صورت موردی ذکر شود و در هر مرحله به تأیید کارفرما برسد، تعهدات می‌تواند شامل ارائه گزارش ماهانه، عدم فعالیت برای شرکت‌های رقیب، محرمانگی اطلاعات و ... باشد.

بند محرمانگی:

نظر به اینکه موضوع قرارداد، دارایی و سرمایه طرفین محسوب می‌شود، به لحاظ ویژگی تکثیرپذیری اطلاعات، این سرمایه که اساس آن دانش و اطلاعات می‌باشد همواره در خطر در دسترس دیگران قرار گرفتن است. به همین دلیل در خلال اجرای قرارداد و بعد از بهره‌برداری، حفظ و نگهداری اطلاعات از دغدغه‌های اصلی طرفین به حساب می‌آید. در همین راستا تعهد به رعایت محرمانگی به عنوان یکی از شروط مهم این قرارداد مطرح می‌گردد.

بند فورس ماژور:

بهتر است در این نوع قرارداد به صراحت در خصوص اثر قوه قاهره توافق شود تا راهکاری متناسب با وضعیت طرفین اعمال گردد مانند ادامه همکاری در سطحی محدودتر. همچنین برای کاستن از توابع ناگوار این شرایط می‌توان از مجری تضمیناتی مطالبه کرد که ادامه قرارداد با شخص دیگری امکان‌پذیر شود یا طرفین مکلف باشند اطلاعات لازم را به شخص ثالثی بسپارند که در صورت وقوع ازین دست موارد، در اختیار طرف مقابل بگذارد یا در صورت انحلال شرکت کارفرما، مدیر تصفیه آن موظف باشد در این خصوص به همکاری با طرف مجری بپردازد.

بند مرتبط با خاتمه قرارداد:

پایان یافتن مسئولیت‌های قراردادی طرفین باید کاملاً واضح، در قرارداد تصریح شود. در واقع هر یک از طرفین قرارداد باید از این موضوع آگاهی کامل داشته باشد که در چه صورتی قرارداد خاتمه‌یافته محسوب می‌شود. به طور مثال گذشت زمانی خاص یا بروز اتفاقی مشخص، سبب انفساخ قرارداد شود یا در صورت پیش‌بینی حق فسخ برای هر یک از طرفین و اعمال آن از سوی صاحب حق، قرارداد پایان می‌پذیرد. روشن شدن همه این موارد می‌تواند از بروز خسارات به دو طرف قرارداد جلوگیری کند. پیشنهاد می‌شود در قرارداد ذکر گردد در صورت فسخ قرارداد، هزینه‌های انجام شده در فاز آخر قرارداد از مبلغ پرداختی کارفرما کسر گردد و مابقی بازگردانده شود.

بند مرتبط با حل اختلاف:

در صورت بروز اختلاف فی‌مابین طرفین قرارداد، در صورتی که توافقی در مذاکرات حاصل نشود، اصولاً مرجعی به عنوان مرجع حل اختلاف مقرر می‌شود. زیرا منشأ اختلافات در واقع تفاوت نظر طرفین با یکدیگر می‌باشد. این اختلاف می‌تواند در مورد تفسیر مفاد قرارداد و یا در مورد نحوه اجرای قرارداد باشد.

بهتر است در زمان انعقاد قرارداد حتماً در رابطه با مرجع حل اختلاف توافق شده و تصمیم نهایی در قرارداد ذکر گردد، انتخاب و تعیین داور از ابتدای شروع قرارداد امری توصیه شده و کم‌درست‌تر از رجوع به مراجع حل اختلاف رسمی است تا در صورت بروز هرگونه مشکل دو نفر به نمایندگی از هر طرف به صورت حکم داوری کنند، در صورت عدم توافق داوران می‌توان در مرحله بعد ارجاع امر به مرجعی رسمی و تخصصی مانند انجمن صنفی را پیش‌بینی نمود و در نهایت طرح اختلاف در دادگاه مرحله آخر توصیه می‌شود، که بهتر است مرجعی تخصصی مانند دادگاه رسیدگی به جرایم رایانه‌ای در نظر گرفته شود.

بطور خلاصه، شرط تضمین رتبه در قراردادهای حوزه ستو را باید شرط فعل دانست و برخلاف تصور بسیاری از افراد، شرط نتیجه نمی‌باشد. چنین تضمینی در قرارداد از سوی هیچ یک از طرفین جرم نبوده ولی بهتر است بندهایی برای شرایط عدم حصول نتیجه یا فسخ قرارداد در نظر گرفته شود که طرفین خسارت جبران‌ناپذیری را متحمل نشوند. / نفیسه رهامی - علیرضا کاظمی

هزینه روزهای تعطیل سال گذشته مدارس به علت آلودگی هوا، به اولیای دانش‌آموزان عودت داده می‌شود

تحقق پیگیری‌های عدلیه برای احقاق یک حق عمومی

در آموزش و پرورش و همچنین اولیا، تدابیر لازم را پیرامون رفع این مشکل اتخاذ کند.

پس از این دستور رئیس قوه قضاییه به دادستانی کل کشور، معاونت حقوق عامه و پیشگیری از وقوع جرم دادستانی کل کشور به موضوع ورود کرد و از وزارت آموزش و پرورش خواست تا در این رابطه توضیحات و اقدامات لازم را ارائه و انجام دهد.

دادستانی کل کشور وزارت آموزش و پرورش را مکلف کرد، ضمن بررسی دقیق موارد و گزارش‌ها با مراکز و مدارس متخلف برخورد قانونی نموده و ترتیبی اتخاذ نماید تا وجوه دریافتی غیر قانونی به اولیاء دانش‌آموزان مسترد شود.

بر همین اساس و پس از پیگیری‌های دستگاه قضایی، وزارت آموزش و پرورش اخیراً طی نامه‌ای به دادستانی کل کشور اعلام کرده موضوع دریافت شهریه فوق برنامه، سرویس مدارس و غذا توسط مدارس و مراکز غیر دولتی که در ایام تعطیلی‌ها از والدین اخذ شده بود در جلسه سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت مرکزی مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی طرح و مقرر شد هزینه‌های دریافتی از اولیا به آنها مسترد و یا به عنوان بستانکار در شهریه سال تحصیلی آینده منظور شود.



مدارس در سال تحصیلی جاری رخ داد، مقوله دریافت وجوه از اولیاء دانش‌آموزان برای هزینه‌های مربوط به سرویس ایاب و ذهاب و تغذیه محصلان بوده است؛ بعضاً اولیاء دانش‌آموزان گلایه دارند که با توجه به تعطیلی زیاد مدارس در این سال تحصیلی، پول دریافت‌شده از آنها برای سرویس رفت و آمد و همچنین تغذیه دانش‌آموزان، به آن‌ها مسترد نمی‌شود و حتی در مواردی مدارس برای وصول این چک‌های دریافتی از والدین دانش‌آموزان اقدام می‌کنند. رئیس دستگاه قضا افزود: بر همین مبنا مطلوب است دادستان کل کشور ضمن شنیدن اظهارات مسئولان مربوطه

پس از دستور رئیس قوه قضاییه و پیگیری‌های عدلیه در خصوص استرداد وجوه غیرقانونی دریافتی از اولیای دانش‌آموزان در تعطیلات متعدد مدارس به علت آلودگی هوا در سال گذشته، وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد، هزینه‌های دریافتی از اولیا به آن‌ها بازگردانده خواهد شد.

سال گذشته مدارس کشور روزهای زیادی به علت آلودگی هوا تعطیل بودند و کلاس‌های درس به صورت مجازی برگزار شدند، در شرایطی که اولیای دانش‌آموزان هزینه خدمات رفاهی مانند هزینه سرویس رفت و آمد را به مدارس پرداخت کرده بودند اما در قبال آن خدماتی دریافت نکردند و همین موضوع موجب نارضایتی خانواده‌ها و تضییع حقوق آن‌ها شده بود.

در پی رقم خوردن این مسئله و در راستای صیانت از حقوق عامه رئیس قوه قضاییه دستور پیگیری این موضوع را صادر کرد. حجت الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در نشست شورای عالی قوه قضاییه در تاریخ ۴ بهمن ماه سال ۱۴۰۱، با اشاره به میزان تعطیلی مدارس و مشکلاتی که از این ناحیه متوجه والدین و دانش‌آموزان شده است، گفت: به جز موضوعات مرتبط با مضامین آموزشی و تربیتی که در محل خود قابل بررسی است، یکی از مشکلاتی که به واسطه تعطیلی متعدد

مقررات قانونی مربوط به ساخت دارو و نحوه واردات اقلام دارویی

محمدعلی طیبی سورکی
وکیل پایه یک دادگستری



ج - نداشتن سوء پیشینه کیفری مؤثر.
د - اخذ تأیید صلاحیت از کمیسیون تشخیص ساخت و ورود دارو ماده ۲۰ قانون.
ه - داشتن سابقه کار در صنعت داروسازی.
ضمناً، مسئولیت امور فنی واحدهای تولیدکننده دارو مشتمل است بر:

- ۱- رعایت و حفظ روش صحیح ساخت و کنترل دارو (جی.ام. پی. و جی. ال. پی)
- ۲- رعایت و حفظ فرمول مندرج در پروانه دارو
- ۳- حضور فعال در حین تولید دارو
- ۴- حفظ اصول بسته بندی دارو
- ۵- نظارت بر امر کیفیت مواد اولیه، جانبی و بسته بندی مورد سفارش
- ۶- رعایت اصول و استانداردهای صادره از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

علاوه بر پروانه تأسیس واحد ساخت دارو و پروانه بهره برداری که با معرفی مسئول فنی واجد شرایط انجام می گیرد، برای ساخت دارو که با توجه به امکانات واحد تولیدی انجام خواهد گرفت، واحد باید از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای هر قلم از تولیدات خود پروانه یا مجوز قانونی ساخت اخذ نماید و مجوز کلی به این واحدها اعطا نمی گردد. و ساخت دارو در کشور ایران، بر اساس سیاستهای وزارت بهداشت، درمان و آموزش انجام می گیرد و تمامی تأییدها و مجوزها براساس آن، صورت می پذیرد و بر این اساس، ساخت هر نوع دارو در کشور پس از تأیید کمیسیون تشخیص موضوع بند ۲ ماده ۲۰ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی انجام خواهد گرفت.

براساس قسمت اخیر تبصره یک ماده ۱۴ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی میزان ساخت هر یک از فرآورده های دارویی توسط واحدهای ساخت دارو با توجه به نیاز کشور و امکانات ساخت واحدهای تولیدکننده دارو براساس برنامه ریزی و موافقت قبلی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی انجام خواهد گرفت. و در صورتیکه واحدهای تولیدی امکانات صدور دارو را علاوه بر تأمین نیازهای داخلی داشته باشند می توانند با موافقت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اقدام به صدور دارو نمایند.

کسانیکه داروی جدیدی را کشف یا ابداع می نمایند، باید مدارک و اطلاعات مورد لزوم را براساس فرم یا فرم هائیکه در اختیار آنان قرار می گیرد، تکمیل نموده و تسلیم نمایند تقاضای آنان برای رسیدگی به کمیسیون ساخت و ورود موضوع ماده ۲۰ قانون احاله گردد تا در صورت تأیید دارو و ضرورت تولید و ارائه آن به

باشند و مدارک لازم را در این زمینه ارائه نمایند، تا بعد از بررسی صلاحیت تأسیس از ناحیه مراجع ذی ربط مورد تأیید واقع گردد. پس از کسب موافقت اصولی از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مبنی بر ایجاد واحد ساخت دارو، متقاضی یا متقاضیان باید در زمانهای تعیین شده اقدامات لازم را اعلام و تمدید مهلت نمایند و کارشناسان و بازرسان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در کلیه مراحل ایجاد واحد، ساخت دارو، نظارت خواهند داشت و مسئولان اینگونه واحدها مکلفند با آنان همکاری نموده و اطلاعات لازم را در اختیارشان قرار دهند.

پس از ایجاد ساختمانها و تأسیسات و نصب ماشین آلات و تجهیزات از واحد ساخت دارو توسط کارشناسان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بازدید به عمل خواهد آمد و در صورت کامل بودن واحد، پروانه تأسیس طبق قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی بنام متقاضیانی که صلاحیت آنان به تأیید کمیسیون تشخیص موضوع ماده ۲۰ رسیده است، صادر خواهد شد.

طبق ماده ۱۹ آیین نامه ساخت و ورود دارو؛ بهره برداری از واحد تولید دارو موقوف به معرفی مسئول فنی می باشد و شایان ذکر است، که مسئول فنی می بایست، دارای شرایط زیر باشد:

الف - داشتن دانشنامه دکترای داروسازی.

ب - داشتن پروانه داروسازی برای کشور جمهوری اسلامی ایران.

اداره کل نظارت بر امور دارو باید دقیقاً امکانات ساخت دارو در کشور را مشخص و توانایی های اجرای هر ساخت دارو را نیز معین نماید و براساس آن برنامه ریزی لازم را در جهت تولید و واردات دارو پس از موافقت مقامات مسئول وزارتخانه انجام دهد.

میزان ساخت و واردات دارو پس از برنامه ریزی و هماهنگی با واحدهای ذیربط به سازندگان و واردکنندگان ابلاغ می گردد آنها موظفند براساس آن اقدام به ساخت و واردات دارو بنمایند و در صورت تخلف از تعهدات، مسئول خواهند بود.

قبل از بیان مقررات مربوط به ساخت و تولید دارو می بایست، به نوع دارو و طریقه و مراحل ساخت آن توجه نمود. داروها با سه نوع متفاوت، تولید می گردند: ۱- داروهای غیر اختصاصی ۲- داروهای اختصاصی ۳- داروهای گیاهی داروهای غیر اختصاصی که به داروی ژنریک نیز معروف است می بایست تولید آن توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تأیید گردد. اما داروهای اختصاصی که به داروهای گفته می شود که بطور ساده یا ترکیبی با چند دارو توسط شخص حقیقی یا حقوقی، ساخته می شود و با فرمول و اسم ثابت و علامت صنعتی مخصوص مشخص و بنام ابداع کننده در ایران و یا کشورهای خارجی، به ثبت می رسد.

اما داروهای گیاهی، به فرآورده هایی اطلاق می شود که در تولید آن به طور کلی یا اکثراً از اجزا و یا عصاره های گیاهی استفاده شده است.

طبق ماده ۵ آیین نامه ساخت و ورود دارو؛ سازنده یا تولید کنندگان دارو ارگان های دولتی و یا اشخاصی هستند که پروانه تأسیس واحد تولید کنندگان دارو طبق ضوابط قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی به آنها صادر می شود. برای صدور مجوز واحدهای تولیدی دارو حتماً می بایست، مسئول فنی حضور داشته باشد، از جمله شرایط این فرد می توان به داشتن مدرک دکترای دارو سازی و پروانه دارو سازی معتبر دارای صلاحیت ساخت و یا ورود دارو از کمیسیون ساخت و ورود دارو، که این مدرک مطابق ماده ۷ آیین نامه مذکور به مدت ۴ سال دارای اعتبار خواهد بود. و به عبارتی پروانه ورود و یا ساخت دارو، پروانه ای است که پس از اخذ صلاحیت و مجوز ساخت و یا ورود دارو از کمیسیون ساخت و ورود دارو براساس قانون مربوطه و مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی و مقررات ناشی از آن توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی صادر می گردد و مدت چهار سال اعتبار دارد.

مجوز ساخت و یا ورود دارو، در مواردیکه ساخت و یا ورود دارو برای موارد خاص یا بطور مقطعی باید انجام گیرد و یا ساخت یا ورود دارو توسط یا از یک منبع مشخص مقدر نبوده و یا به صلاح نباشد پس از کسب تأیید به کمیسیون قانونی ساخت و ورود دارو که بطور موردی یا کلی اعلام خواهد شد مجوز ورود و یا ساخت دارو صادر می شود.

اما باید توجه داشت؛ ساخت داروهای اختصاصی و ژنریک در کشور، می بایست، صرفاً در کارخانجات داروسازی که دارای مسئول فنی مجاز قانونی می باشند، انجام گیرد. و همچنین، ساخت داروهای گیاهی بسته به حجم تولیدات در کارخانه و یا کارگاههای مجاز زیر نظر مسئول فنی انجام می گیرد. فلذا طبق قانون مربوطه حضور مسئولان فنی الزامی می باشد.

سوالی که مطرح می گردد، این است که چه اشخاصی می توانند کارخانجات تولیدی دارو و یا دارو سازی، احداث نمایند؟ اشخاصی می توانند اقدام به تأسیس کارخانه داروسازی نمایند که دارای شرایط زیر باشند:

- ۱- کسب مجوز از:
 - الف - وزارت صنایع
 - ب - وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
 - ۲- نداشتن سوء پیشینه کیفری مؤثر.
 - ۳- معرفی مسئول فنی واجد شرایط در هنگام بهره برداری.
- در ضمن صلاحیت متقاضیان تأسیس واحدهای تولید دارو طبق مقررات باید به تأیید کمیسیون تشخیص موضوع ماده ۲۰ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی برسد.
- و اما در صورتیکه متقاضی تأسیس واحد ساخت دارو، اشخاص حقوقی باشند، می بایست صلاحیت کلیه افراد، مورد تأیید کمیسیون قانونی مزبور قرار گیرد.
- صرف درخواست احداث کارخانجات تولیدی دارو کافی نبوده، بلکه متقاضی و متقاضیان تأسیس واحد ساخت دارو باید امکانات کافی برای ایجاد کارگاه و یا کارخانه مورد نظر را داشته

ادامه از صفحه قبل.

بازار با رعایت سایر مقررات پروانه لازم صادر گردد. تولید اینگونه داروها باید در واحدهای تولیدی مجاز دارو صورت گیرد.

و در صورتی که متقاضی نام اختصاصی برای داروی ابداعی خود اختیار نماید، باید شرایط مندرج در ماده ۱۳ قانون را رعایت کند و با نامی موافقت می‌گردد که متناسب با اثرات درمانی و یا مواد تشکیل دهنده داروی اختصاصی باشد.

و اما در مورد داروهای گیاهی نام دارو باید پس از تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی انتخاب گردد. فلذا تولید کننده نمی‌تواند هر اسمی که خود بخواهد بر روی داروی کشف شده، بگذارد ولی می‌تواند اسامی را اعلام تا مورد بررسی قرار گیرد.

نکته قابل توجه اینکه، سازندگان داروها پس از کسب پروانه حق ندارند فرمول و ترکیب و شکل یا بسته بندی دارو را قبل از کسب اجازه مجدد از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تغییر داده یا دخل و تصرف در آن نمایند. یکی از مواردی که می‌بایست مورد لحاظ واقع گردد؛ این موضوع است که؛ در صورتیکه کمیسیون موضوع بند ۲ ماده ۲۰ قانون تشخیص دهد، برای تشخیص اثرات درمانی و عوارض داروهای ابداعی باید آزمایشات لازم انجام گیرد و در مراکز بهداشتی و درمانی از آنها استفاده به عمل آید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در حد امکانات همکاری لازم را بعمل خواهد آورد.

ضمناً همانگونه بیان گردید؛ پروانه دارو برای مدت ۴ سال اعتبار دارد، که تقاضای تجدید یا تمدید پروانه باید شش ماه قبل از انقضای مدت بعمل آید.

مطلب حائز اهمیت دیگر اینکه، در صورتی که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تولید دارویی را غیر لازم و یا مضر به سلامت جامعه تشخیص دهد، موضوع را در کمیسیون مربوط به ساخت و ورود دارو ماده ۲۰ مطرح خواهد نمود و در صورت تصویب موضوع فوق، کمیسیون پروانه بهره برداری را لغو می‌نماید و از ادامه فعالیت آن خودداری بعمل می‌آید. در مقابل باید گفت؛ در مواردی که صدور پروانه ساخت داروی خاص بطور دائم لازم و ضروری تشخیص داده نشود، براساس تصمیم و رأی کمیسیون ورود و ساخت دارو مجوزهای مقطعی برای ساخت آن داروی خاص به واحدهای تولیدکننده دارو داده می‌شود و امکان توقف در تولید آن، ممکن است، مورد تصویب واقع گردد.

واحدهای تولیدکننده دارو باید ضوابط و استانداردهای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را در تمام مراحل ساخت و بسته بندی دارو رعایت نمایند.

شایان ذکر است، اولین سری ساخت هر نوع دارو که برای آن پروانه یا مجوز صادر شده است، باید در آزمایشگاههای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مورد آزمایش قرار گیرد و پس از تأیید به بازار عرضه گردد و علاوه بر نظارت بر خطوط تولید

دارو در واحدهای تولیدکننده دارو توسط کارشناسان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، فرآورده های تولیدی نیز به صورت اتفاقی نمونه برداری شده جهت بررسی و آزمایش به آزمایشگاه ارسال خواهد شد. کلیه واحدهای تولیدکننده دارو متناسب با حجم تولیدات خود باید دارای آزمایشگاه کنترل بوده که مسئولیت آن با یک نفر دکتر داروساز خواهد بود و کلیه سری ساختههای دارویی باید مورد آزمایشات لازم قرار گیرد و در صورت تأیید به بازار عرضه گردد.

ورود مواد اولیه، جانبی و بسته بندی دارویی باید با موافقت قبلی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی صورت گیرد و مواد اولیه دارویی باید از کارخانجات و یا مؤسسات معتبر خریداری گردد.

اعتبار این کارخانجات یا مؤسسات حسب تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حداقل با یکی از موارد زیر احراز خواهد شد:

- الف - تأیید وزارت بهداشت کشور مبداء و یا مرجع ذیصلاح دیگر
- ب - معروفیت جهانی
- ج - حسن سابقه مصرف در کشور
- د - تأیید نمونه دارو یا ماده اولیه توسط آزمایشگاههای کنترل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

همچنین، اولین سری وارداتی از هر قلم مواد اولیه که برای اولین بار وارد کشور می‌شود، باید مورد آزمایشات لازم قرار گیرد و پس از تأیید آزمایشگاه کنترل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی توسط واحد تولیدکننده دارو مورد استفاده قرار گیرد آزمایشگاههای واحدهای تولیدکننده دارو موظفند قبل از بکار بردن مواد اولیه در خط تولید ماده یا مواد اولیه مورد مصرف را کنترل و آزمایش نمایند. میزان واردات مواد اولیه واحدهای تولیدکننده دارو با توجه به برنامه تولید واحد که قبلاً به تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسیده است، می‌باشد.

اما درخصوص واردات دارو باید گفت؛ داروهای مورد نیاز کشور در مرحله اول از طریق تولیدات داخل کشور تأمین خواهد شد، چنانچه به تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی امکانات ساخت داروهای موجود نباشد و یا در مرحله ایکه واحدهای تولیدکننده دارو به تعهدات خود عمل نکنند و یا از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نباشد و یا هنگامی که ضرورت و فوریت ایجاب نماید قسمتی از احتیاجات دارویی از طریق واردات دارو تأمین خواهد شد. واردات دارو به کشور با نام ژنریک انجام خواهد پذیرفت مگر در مواردیکه امکان تأمین دارو با نام ژنریک وجود نداشته باشد که در این صورت هم فرمول داروی مورد نظر با نام اختصاصی و منطبق با ضوابط داروهای ژنریک وارد خواهد شد.

اشخاص، مؤسسات و شرکتهایی می‌توانند اقدام به ورود دارو

نمایند که قانوناً مجاز به این امر بوده و یا قبلاً مجوز لازم را از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کسب کرده باشند. ضمناً، شرکتهای و مؤسسات دولتی باید دارای کارشناسان فنی دانشگاهی لازم باشند و در مورد مؤسسات خصوصی چنانچه واردکننده خود دارای دیپلم عالی داروسازی نباشد باید داروساز مسئول فنی مجاز معرفی نمایند.

همچنین، داروهایی که به کشور وارد می‌گردند باید از کارخانجات داروسازی مجاز و معتبر کشور مبداء باشند و اعتبار و مصرف داروهای تولیدی از طرف آن کارخانه باید به تأیید مقامات وزارت بهداشت کشور مبداء برسد که صحت گواهی وزارت بهداشت کشور صادر کننده باید به تأیید نمایندگی سیاسی جمهوری اسلامی ایران در آن کشور برسد.

و در صورتیکه دارویی جدیداً کشف و به بازار عرضه شده باشد علاوه بر سایر مدارک باید مقالات علمی معتبر مبنی بر موارد مصرف و مؤثر بودن و عوارض جانبی دارو ارائه گردد. ضمناً دارو می‌بایست در خود کشور سازنده نیز به مصرف برسد. نکته قابل توجه اینکه؛ صلاحیت ورود اقلام داروهای ساخته شده به کشور باید به تأیید کمیسیون قانونی ساخت و ورود دارو موضوع بند ۲ ماده ۲۰ قانون برسد و پس از تأیید صلاحیت ورود دارویی به کشور پروانه یا مجوز ورود براساس قانون برای آن صادر خواهد شد.

مسئولیت نظارت بر امور ساخت و ورود دارو با اداره کل امور نظارت بر امور دارو می‌باشد.

اداره کل نظارت بر امور دارو باید دقیقاً امکانات ساخت دارو در کشور را مشخص و توانایی های اجرای هر ساخت دارو را نیز معین نماید و براساس آن برنامه ریزی لازم را در جهت تولید و واردات دارو پس از موافقت مقامات مسئول وزارتخانه انجام دهد. میزان ساخت و واردات دارو پس از برنامه ریزی و هماهنگی با واحدهای ذیربط به سازندگان و واردکنندگان ابلاغ می‌گردد آنها موظفند براساس آن اقدام به ساخت و واردات دارو بنمایند و در صورت تخلف از تعهدات مسئول خواهند بود.

واحدهای تولیدکننده و واردکنندگان دارو باید امکانات و تجهیزات لازم برای نگهداری و انبار نمودن داروهای خود را داشته باشند.

داروهایی که پس از انجام آزمایشات غیر قابل مصرف اعلام می‌شوند و با توجه به جمیع جهات باید منهدم گردند اعم از ساخت داخل و یا وارداتی پس از تهیه صورت جلسه با تعیین دقیق میزان داروها با حضور نمایندگان اداره کل نظارت بر امور دارو و سایر دستگاههای ذیربط بطریق بهداشتی امحاء خواهند گردید.

نهایتاً در خصوص قیمت گذاری دارو باید گفت؛ قیمت گذاری دارو براساس نظر کمیسیون قیمت گذاری موضوع تبصره ۳ ماده ۱۱ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوراکی و آشامیدنی در اداره کل نظارت بر امور دارو صورت خواهد گرفت.

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه

دادرسی محاسبه شود؟

۱۴۰۱/۱۲/۲۲

۷/۱۴۰۱/۱۲۵۱

■ استعلام:

■ پاسخ:

۱ و ۲- به موجب قسمت اخیر ماده ۲۳ اصلاحی ۱۳۹۷/۸/۱۳ قانون صدور چک، اگر صادرکننده یا قائم مقام قانونی او دعوایی مانند مشروط یا بابت تضمین بودن یا تحصیل چک از طرق مجرمانه اقامه کند، در موارد مذکور در این ماده، مرجع قضایی رسیدگی کننده قرار توقف عملیات اجرایی را صادر میکند؛ بنابراین از آنجایی که موضوع دعوا یا شکایت حسب مورد در مرجع قضایی ذیصلاح حقوقی یا کیفری طرح میشود، اقامه دعوی مستقل ابطال اجراییه منتفی است و صدور قرار توقف عملیات اجرایی منوط به اقامه دعوی مذکور نیست؛ بلکه مرجع قضایی رسیدگی کننده به دعوی موضوع قسمت اخیر ماده یادشده با احراز شرایط مقرر، قرار توقف عملیات اجرایی را صادر میکند. بدیهی است در صورتیکه ادعای صادرکننده به موجب حکم قطعی اثبات شود، با عنایت به ذیل ماده ۲۳ یادشده و ماده ۱۱ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶، دادگاه صادرکننده اجراییه راساً یا به درخواست صادرکننده به اقتضای مورد، اجراییه را ابطال یا عملیات اجرایی را الغا می‌کند. براین اساس، در فرض سؤال دعوی مستقل ابطال اجراییه چک و مالی یا غیر مالی بودن این دعوا موضوع^۱ منتفی است. ثانیاً، مقتن در قسمت اخیر ماده ۲۳ اصلاحی ۱۳۹۷/۸/۱۳

قانون صدور چک طرح دعوی حقوقی یا کیفری متعددی را از سوی صادرکننده یا قائم مقام قانونی او به صورت تمثیلی پیشبینی کرده است و همانگونه که آورده شد، پس از اثبات این دعوی، دادگاه صادرکننده اجراییه مربوط به چک با عنایت به ماده ۱۱ یا ۲۴ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ حسب مورد دستور ابطال یا اصلاح اجراییه یا تعطیل اجرا را صادر میکند؛ بنابراین، برای مثال، چنانچه صادرکننده مدعی پرداخت تمام وجه چک باشد، میتواند دعوی مقتضی مانند استرداد لاشه چک را مطرح کند و اگر مدعی پرداخت بخشی از وجه چک باشد و این امر مورد اختلاف باشد، میتواند دعوی مقتضی مانند اثبات رد بخشی از وجه چک را مطرح کند که در صورت اثبات این امر بدون نیاز به اصلاح اجراییه، عملیات اجرایی فقط نسبت به بخش باقیمانده ادامه مییابد. ثالثاً، اگر مشروط یا بابت تضمین بودن در متن چک قید شده باشد، با عنایت به بندهای «الف» و «ب» ماده ۲۳ اصلاحی ۱۳۹۷/۸/۱۳ قانون صدور چک، دادگاه مجاز به صدور اجراییه نیست و اگر دادگاه اشتباهاً اجراییه را صادر کرده باشد، با تذکر ذینفع باید در اجرای ماده ۱۱ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶، دستور ابطال اجراییه را صادر کند؛ اما اگر مشروط یا بابت تضمین بودن در متن چک قید نشده باشد، صرف نظر از اینکه دعوی مربوط در برابر دارنده با حسنیت قابل طرح و استماع نیست، با توجه به تصریح ماده ۲۳ یادشده طرح دعوی مستقل مشروط یا بابت تضمین بودن چک، ممکن است و چون این دعوی ناظر به حقوق مالی است، علیالاصول مالی تلقی میشوند و تقویم خواسته بر عهده خواهان است.

تحلیل اصل یکصد و هفتاد و چهارم

حامی عدالت - داود بی نیاز*: براساس حق نظارت قوه قضاییه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضاییه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.

مقدمه

نظارت از ریشه "نظر" و در اصل واژه ای عربی است که برای آن معانی مختلفی ارایه شده است. نظر به معنای تأمل در چیزی و معاینه کردن آن نیز معنا می‌شود. نظارت در معنای دیگری همان مراقبت و کنترل یک چیز از آفت و بیماری است. همچنین در زبان عربی به معنای زیرکی و فراست آمده است. نظارت "به معنای نظر کردن و نگریستن به چیزی، مراقبت و تحت نظر و دیده بانی، داشتن کاری، نگرانی و مباحثرت" معنا شده است. به طور کلی می‌توان گفت که نظارت به معنی مراقبت و مشاهده ای است که شخص یا مقام و یا دستگاه ناظر نسبت به شخص یا سازمان دیگری انجام می‌دهد تا نظارت شونده وظایف را براساس معیارهای تعیین شده به انجام برساند. از کارکردهای نظارت، می‌توان به کارکرد حقوقی، سیاسی و مدیریتی اشاره کرد. نظارت در حقوق عمومی به معنای مراقبت و مشاهده ای است که شخص یا مقام و یا دستگاه ناظر نسبت به سازمان دیگری انجام می‌دهد تا نظارت شونده وظایف خود را براساس معیارهای تعیین شده به انجام برساند. در این فرآیند نظارت مردم بر دولت شایان توجه است. از آنجا که احتمال حضور و تقصیر در تدابیر امور جامعه می‌رود و از طرف دیگر هم احتمال خطا از سوی دولت‌مردان می‌رود و هم قدرت به حدی جذاب و وسوسه انگیز است که احتمال سوء استفاده از آن قابل فرض است، از این رو برای جلوگیری از هر گونه اشتباه یا خیانت، مردم باید مجاری مختلفی برای نظارت بر دولت در اختیار داشته باشند.

به لحاظ سیاسی، اعمال نظارت موجب تقویت مفهوم حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری و سیاسی، اصلاح ناکارآمدی‌ها و رویه‌های غلط، تثبیت و افزایش مشروعیت یک سیستم سیاسی خواهد شد. زیرا نظارت موجب حضور متفکرانه اقل مردم بخصوصاً از طریق احزاب و رسانه‌ها خواهد شد. هر چه نهادهای مردمی بیش تر در صحنه باشند و بر مقام‌ها و دستگاه‌های اجرایی نظارت کنند و مواظب اعمال، تصمیم‌ها و گفتار مسئولان و مدیران جامعه باشند، دستاوردهای دموکراتیک تقویت خواهد شد. از نظر مدیریتی، نظارت باعث تعیین نقاط ضعف و قوت و مدیریت امور می‌گردد. دیدگاه مدیریتی، نظارت را کوششی می‌داند که مدیر در جهت تطبیق عملیات با برنامه انجام می‌دهد تا میزان صحت و سقم فعالیت‌ها را به دست آورد در واقع می‌توان نظارت را فعالیتی دانست که باعث تطبیق عملیات با برنامه می‌شود و نظام را در زمینه هدف‌های مورد نظر از انحراف حفظ می‌کند. براین اساس نظارت فرآیندی است که از طریق آن می‌توان به حداکثر کارایی و اثربخشی در راستای اهداف سازمان دست یافت و به صحت پیش بینی‌های صورت گرفته در مورد برنامه‌ها پی برد و "باید‌ها" را با "هست‌ها"، "مطلوب‌ها" را با "موجودها" و "پیش بینی‌ها" را با "عملکردها" مقایسه می‌کند و نتیجه این مقایسه تصویر روشنی از تشابه یا تمایز بین این دو گروه از عوامل خواهد بود و از آنجا که نظارت و کنترل سازمان با اصلاح انحراف‌ها و تطابق عملکردها با اهداف مطلوب معنا پیدا می‌کند، می‌توان گفت که نظارت نقش پویایی را در هر سازمان ایفا می‌کند. نظارت، مقایسه و سنجش بین آنچه هست و تحقق یافته با آنچه باید باشد و محقق شود است یعنی تجزیه و تحلیل نتایجی که از عملکردها به دست می‌آید و اینکه آیا عملکرد درست مطابق اهداف، برنامه و قانون بوده است یا نه. در این بین نقاط ضعف نمایان شده و اقدام‌های لازم جهت حصول به نتایج مورد نظر صورت می‌گیرد.

گفتار اول

در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۸ هجری شمسی با تحولات گسترده‌ای در طول تاریخ کشور روبه‌رو بود. با گسترش دستگاه‌های دولتی و افزایش بی‌سابقه کارورژه‌ها و هزینه‌های دولت، بازسازی نهاد نظارت و بازرسی مورد توجه قرار گرفت. در طول این سال‌ها نهاد نظارت با سه عنوان «هیأت تفتیشیه مملکتی (۱۳۰۸)»، «تفتیش کل مملکتی (۱۳۱۳)» و «دفتر بازرسی کل کشور (۱۳۱۵)» عهده‌دار نظارت بر سازوکارهای جاری کشور گردید.

شروع دوره پهلوی دوم مصادف با یکی از بحرانی‌ترین مقاطع کشور به لحاظ آشفته‌گی‌ها و تنش‌های اجتماعی بود. بخش‌های مختلف جامعه با فقر، ناامنی، بیثباتی، بیکاری و خشونت روبه‌رو بودند و این آشفته‌گی در دستگاه‌های اداری نیز وجود داشت. گزارش‌های سال‌های اول زمامداری پهلوی دوم با افزایش بی‌سابقه انواع تخلفات

و سوءاستفاده‌ها همراه بود.

علاوه بر وضعیت نابسامان مردم، کارکنان دولت نیز به دلیل درآمد پایین و مشکلات جامعه اوضاع نامناسبی داشتند و فساد در میان دستگاه‌های دولتی وجود داشت. بر همین اساس و برای ریشه‌کن کردن فساد و مبارزه با آن در اواخر دهه ۱۳۲۰، سازمانی به نام «سازمان بازرسی نخست‌وزیری» تأسیس و آیین‌نامه آن در پایان شهریور ۱۳۲۹ توسط نخست‌وزیر وقت به ادارات تابعه ابلاغ شد. پس‌از آن تا پایان این دوره سه نهاد دیگر نیز به‌عنوان نهاد نظارتی در کشور تأسیس شدند، سازمان بازرسی کل نخست‌وزیری (۱۳۲۹)، هیأت عالی بازرسی (۱۳۳۳)، اداره کل بازرسی کل کشور (۱۳۳۴) و سازمان بازرسی شاهنشاهی (۱۳۳۷) که در برخی سالها فعالیت موازی این نهادهای تأسیسی منجر به ایجاد مشکلاتی در اداره کشور گردید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، سازمان بازرسی شاهنشاهی منحل و مطابق لایحه قانونی سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۷-۱۲-۵۷ به‌عنوان اولین سازمان بازرسی کل کشور پس از انقلاب اسلامی تشکیل شد. به‌موجب این لایحه که مشتمل بر ۱۰ ماده و ۲ تبصره بود، سازمان بازرسی تحت ریاست وزیر دادگستری تشکیل شد که وظایف وزیر را در سازمان یکی از معاونان او به نام سرپرست سازمان انجام می‌داد. لایحه مزبور که به‌طور رسمی سازمان بازرسی شاهنشاهی و اداره کل بازرسی دادگستری را منحل اعلام کرد با الهام از قانون مربوط به اداره کل بازرسی کل کشور مصوب سال ۱۳۳۳ و مقرراتی شبیه به آن تنظیم شد و آیین‌نامه اجرایی آن نیز در جلسه مورخ ۶-۵-۵۸ هیأت وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در ۱۹ ماده به تصویب رسید.

قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور در اولین دوره مجلس شورای اسلامی در ۱۴ ماده و ۵ تبصره به تصویب وکلای ملت رسید. نمایندگان مجلس پنجم، این قانون را بعد از گذشت ۱۵ سال در هفتم مردادماه سال ۱۳۷۵ اصلاح کردند و قانون جدید را در ۱۲ ماده با اصلاحات و الحاقیات به تصویب رساندند. قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور برای بار دوم در هفدهم تیرماه ۱۳۸۷ اصلاح و طبق مصوبه نمایندگان مجلس، مقرر شد این قانون برای مدت ۵ سال به‌طور آزمایشی اجرا شود. پس از پایان مدت زمان اجرای آزمایشی قانون، نمایندگان دوره نهم مجلس شورای اسلامی در پانزدهم مهر ماه ۱۳۹۳ این قانون را برای سومین بار اصلاح و مصوب کردند.

گفتار دوم

در سال ۲۰۰۳ به منظور توانمندسازی دولت و ساده سازی حقوق، قانونی تصویب شد که ورود دولت به انجام اصلاحات اداری را میسر ساخت. یکی از رویکردهای این قانون در آن سال ارتقا و بهبود سطح نظارت با هدف افزایش سطح بهره‌وری و اثربخشی دستگاه‌های دولتی بود. بنابراین سازمان‌های نظارتی مستقلی در بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ به وجود آمد تا بتواند به عنوان یک ناظر موجب افزایش بهره‌وری و اثربخشی نهادهای دولتی نسبت به مسئولیت‌های که دارند باشد. از این رو سیستم نظارت بر دولت در فرانسه به صورت سه گانه تنظیم شد؛ بازرسان دولت، دادگاه حساب‌های دولتی و شورای نظارت دولتی هر کدام به ترتیب وظیفه نظارت بر امور اداری، مالی و حساب‌های دولت را بر عهده گرفتند. صرف نظر از سوابق تاریخی درخصوص دستگاه‌های بازرسی و نظارتی در جهان از زمان‌های بسیار قدیم باید گفت بنیاد آمبودزمان در سوئد پدیدار گردید که بر اساس قانون اساسی مصوب ۱۸۰۹ شکل گرفت و طی یک سده این نهاد از مرزهای سوئد فراتر نرفت و همتایی در آن سوی مرزها نیافت تا این که در سال ۱۹۱۹ میلادی فنلاند و سپس در سال ۱۹۵۳ کشور دانمارک همانندهای این نهاد را در کشور خود به وجود آوردند. انگیزه ای که به فرایند تأسیس آمبودزمان در کشورهای دیگر کمک می‌نمود، این بود که وجود نهادی برای حراست حقوق مردم در برابر دولت‌ها ضروری احساس می‌شد.

تا سال ۱۹۷۰ میلادی آمبودزمان‌ها صرفاً ناظر بر تکالیف، صلاحیت و مشروعیت نهادهای دولتی بودند، درحالیکه امروزه آمبودزمان به دنبال کشف سوء جریان‌های اداری نیز می‌باشد.

نهاد آمبود زمان بیشتر در کشورهای دارای حکومت دموکراتیک پا گرفته است. در چنین سیستمی، علاوه بر نظارت‌هایی که از سوی پارلمان، دادگاه‌ها و دیگر نهادهای بخش عمومی صورت می‌گیرد، آمبودزمان به عنوان عامل کنترلی بر قدرت اجرایی یا اداری عمل میکند. جدای از نقش تکمیلی که آمبودزمان

برای دادگاه‌ها و محاکم اداری دارد، مزایای دیگری که عملکرد آمبودزمان‌ها به عنوان مکانیسم‌های حل مسالمت آمیز اختلافات در دیگر بخش‌های عمومی دارند را میتوان غیررسمی بودن، سرعت و قابل دسترس بودن آن‌ها دانست. یکی از انواع نظارت بر عملکرد دولت، نظارت غیر قضایی از طریق آمبودزمان میباشد.

در فرانسه، تا قبل از اصلاح قانون اساسی در سال ۲۰۰۸، مقام میانجی، به عنوان یک مقام اداری مستقل، عهده‌دار این وظیفه بود. این مقام برای مدت ۶ سال و از سوی رئیس جمهور انتخاب میشد. در اصلاحات سال ۲۰۰۸ قانون اساسی فرانسه نهاد جدیدی به نام، مدافع حقوق شهروندان ایجاد شده است.

در انگلستان، کمیسر پارلمانی، که یکی از مأموران عالی‌رتبه این کشور محسوب میشود، وظایف آمبودزمان را انجام میدهد. این مقام بنا به پیشنهاد کمیته منتخب کمیسر پارلمانی به پادشاه معرفی و از سوی ایشان به این عنوان منصوب میگردد.

گفتار سوم: قوانین موضوعه

قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور با آخرین اصلاحات و الحاقات، مصوب ۱۵-۷-۱۳۹۳ مجلس شورای اسلامی ماده ۱ - به منظور نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری و در اجرای اصل ۱۷۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» که در این قانون به اختصار سازمان نامیده می‌شود زیر نظر رییس قوه قضاییه و با اختیارات و وظایف مندرج در این قانون تشکیل می‌شود.

تبصره: نظارت و بازرسی از نظر این قانون عبارت است از مجموعه فعالیت‌های مستمر و منظم و هدفدار به منظور جمع‌آوری اطلاعات لازم درباره مراحل حین و بعد از اقدامات دستگاه‌های مشمول ماده (۲) این قانون، تجزیه و تحلیل آنها، تطبیق عملکرد دستگاه با اهداف و تکالیف قانونی و ارایه پیشنهادهای مناسب در جهت حسن جریان امور سازمان بازرسی همچنین می‌تواند قبل از اقدامات دستگاه‌های مذکور نیز اطلاعات لازم را جمع‌آوری کند.

ماده ۲ - وظایف و اختیارات سازمان به شرح زیر می‌باشد:

الف) بازرسی و نظارت

مستمر کلیه وزارت‌خانه‌ها و ادارات و امور اداری و مالی دادگستری، سازمان‌ها و دستگاه‌های تابعه قوه قضاییه و نیروهای نظامی و انتظامی و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها و دفاتر اسناد رسمی و مؤسسات عام‌المنفعه و نهادهای انقلابی و سازمان‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه یا سهام آنان متعلق به دولت است یا دولت به نحوی از انحا بر آنها نظارت یا کمک می‌نماید و کلیه سازمان‌هایی که شمول این قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام آنها است، بر اساس برنامه منظم.

ب) انجام بازرسی‌های فوق‌العاده حسب‌الامر مقام معظم رهبری و یا به دستور رییس قوه قضاییه و یا درخواست رییس جمهور و یا کمیسیون اصل نود (۹۰) قانون اساسی مجلس شورای اسلامی و یا بنا به تقاضای وزیر یا مسئول دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و یا هر موردی که به نظر رییس سازمان ضروری تشخیص داده شود.

ج) اعلام موارد تخلف و نارسایی‌ها و سوء جریان‌های اداری و مالی در خصوص وزارت‌خانه‌ها و نهادهای انقلاب اسلامی و بنیادها به رییس جمهور و در خصوص مؤسسات و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت به وزیر ذی‌ربط و در مورد شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به وزیر کشور و در خصوص مؤسسات غیر دولتی کمک‌بگیر از دولت به وزیر ذی‌ربط و در خصوص سوء جریان‌های اداری و مالی مراجع قضایی و واحدهای تابع دادگستری به رییس قوه قضاییه و در موارد ارجاعی کمیسیون اصل نود قانون اساسی نتیجه بازرسی به آن کمیسیون اعلام خواهد شد.

د) در مواردی که گزارش بازرسی متضمن اعلام وقوع جرمی است، چنانچه جرم دارای حیثیت عمومی باشد، رییس سازمان یا مقامات مأذون از طرف وی یک نسخه از گزارش را با دلایل و مدارک مربوط برای تعقیب و مجازات مرتکب به مرجع صالح قضایی ارسال و موضوع را تا حصول نتیجه نهایی پیگیری نمایند و در مورد تخلفات اداری، انضباطی و انتظامی مستقیماً مراتب را به مراجع ذی‌ربط منعکس نموده و پیگیری لازم را به‌عمل آورند. مراجع رسیدگی‌کننده مکلفند وقت رسیدگی و جهت حضور را به اطلاع سازمان بازرسی کل کشور برسانند.

تبصره ۱ - در مورد جرایم منتهی به ورود خسارت به اموال دولتی و حقوق عمومی و تضییع آنها دادستان ضمن تعقیب کیفری متهم یا متهمان در دادگاه صالح در صورت احراز ورود خسارت و ضرر و

زبان، رأساً جبران آن را بدون پرداخت هزینه دادرسی از دادگاه درخواست می‌نماید.

دستگاه‌های ذی‌ربط موظف به همکاری با دادستان در جمع‌آوری دلایل و مدارک و پیگیری موضوع می‌باشند.

تبصره ۲ - گزارش‌های بازرسی در ارتباط با آیین‌نامه و تصویب‌نامه و بخش‌نامه و دستورالعمل‌های صادره و شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی که حاکی از تشخیص تخلف در موارد فوق‌الذکر باشد جهت رسیدگی و صدور رأی به دیوان عدالت اداری ارسال می‌گردد. رسیدگی به این‌گونه موارد به‌طور فوق‌العاده و خارج از نوبت خواهد بود.

ه) در مواردی که گزارش بازرسی متضمن اعلام تخلف اداری مدیران کل ادارات و مقامات بالاتر تا سطح وزرا و هم‌تراز آنان است که مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری هستند، سازمان گزارش را برای رسیدگی به هیأت رسیدگی به تخلفات اداری نهاد ریاست جمهوری ارسال و تا حصول نتیجه پیگیری می‌کند. در خصوص پرونده‌های مطروحه در رابطه با مقامات فوق، هیأت رسیدگی بدوی و تجدیدنظر مزبور با عضویت یک نفر از قضات منصوب رییس قوه قضاییه تشکیل می‌شود و خارج از نوبت طبق قانون رسیدگی به تخلفات اداری به موضوع رسیدگی می‌کند. رییس هیأت موظف است ضمن نظارت بر ثبت پرونده و تعیین اوقات رسیدگی، مراتب را به عضو قاضی و نماینده سازمان جهت حضور اعلام نماید.

تبصره - رسیدگی به تخلفات مقامات و کارکنان قوای قضاییه و مقننه و نیروهای مسلح، شورای نگهبان و دستگاه‌های زیرنظر مقام معظم رهبری از شمول این بند مستثنی است.

و) سازمان مجاز است در نظارت و بازرسی از نیروهای نظامی، انتظامی، امنیتی و شرکت‌ها و مؤسسات تابعه از نیروهای بازنشسته واجد شرایط و متخصص مراجع مذکور استفاده کند. آیین‌نامه اجرایی این بند با پیشنهاد سازمان به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد.

ماده ۳ - سازمان می‌تواند برای انجام بازرسی و اظهار نظر کارشناسی از وجود قضات و اشخاص صاحب صلاحیت و متخصصان در هر رشته به‌طور دائم یا موقت استفاده نماید و در سایر موارد نسبت به تأمین کادر مورد نیاز از طریق انتقال یا مأموریت کارکنان دولت و در صورت عدم امکان از طریق استخدام اقدام نماید.

تبصره ۱ - انتقال کارمندان وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی به سازمان به صورت مأمور یا انتقال دائم بلامانع است.

تبصره ۲ - مقررات اداری و استخدامی سازمان توسط قوه قضاییه تهیه و پس از تصویب مجلس به مرحله اجرا در می‌آید مگر مواردی که مشمول مفاد ماده ۱۴ این قانون است.

ماده ۴ - رییس سازمان توسط رییس قوه قضاییه از میان قضات شرع و یا قضاتی که دارای رتبه ۱۰ یا ۱۱ قضایی باشند تعیین می‌شود. رییس سازمان می‌تواند یک نفر قائم‌مقام برای خود از میان قضات با صلاحیت انتخاب کند که با پیشنهاد او و تصویب رییس قوه قضاییه تعیین می‌گردد و همچنین می‌تواند به تعداد لازم معاون داشته باشد.

ماده ۵ - بازرسی توسط بازرس یا هیأت‌های بازرسی به عمل می‌آید. رییس هیأت بازرسی توسط رییس سازمان حسب مورد از بین قضات یا متخصصین و کارشناسان برجسته و مورد اعتماد انتخاب می‌گردد

تبصره ۱ - آن قسمت از گزارش بازرسی غیرقضایی که حاکی از وقوع تخلف یا جرم می‌باشد باید به تأیید بازرس قضایی برسد

تبصره ۲ - رییس هیأت بازرسی و یا بازرس در صورتی که دارای پایه قضایی و ابلاغ خاص از رییس قوه قضاییه باشد چنانچه در ضمن بازرسی به اموری برخورد نماید که بیم تبانی یا فرار متهم و یا از بین بردن دلایل و مدارک برود می‌تواند تا پایان بازرسی برابر مقررات قانون آیین دادرسی نسبت به صدور قرار تأمین غیر از قرار بازداشت اتخاذ تصمیم نماید و چنانچه قرار بازداشت موقت را ضروری تشخیص دهد باید با پیشنهاد رییس هیأت و موافقت رییس دادگستری محل اقدام نماید. قرارهای تأمین صادره ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر مرکز استان مربوط می‌باشد

ماده ۶ - گزارش‌های سازمان در مراجع قضایی و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، انضباطی و انتظامی، خارج از نوبت و حداکثر ظرف مدت سه ماه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. چنانچه رسیدگی به پرونده‌ها بیش از مدت معین نیاز به وقت داشته باشد، مراجع مذکور باید جهات و دلایل آن را در پرونده درج و تصریح نمایند.

آرای صادره مراجع قضایی با درخواست سازمان بازرسی کل کشور و موافقت دادستان ذی‌ربط و آرای صادره هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، انضباطی و انتظامی با درخواست سازمان مذکور در مراجع ذی‌صلاح ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر بوده

و این رسیدگی نیز خارج از نوبت خواهد بود.

تبصره - هرگاه بازرس دارای پایه قضایی ضمن بازرسی در حدود مقررات قانونی، به حکمی برخورد کند که آن را خلاف بئین شرع تشخیص دهد، گزارش مستدل آن را از طریق رییس سازمان برای رییس قوه قضاییه ارسال می‌کند تا رییس قوه طبق قانون اقدام قانونی را به عمل آورد.

ماده ۷ - بازرس یا هیأت‌های بازرسی گزارش کار خود را مستقیماً به سازمان تسلیم خواهد نمود.

ماده ۸ - کلیه مسئولان ذی‌ربط در وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمان‌ها و مؤسسات اسناد و اطلاعات و مدارک مورد لزوم در تحقیقات را بدون هرگونه فوت وقت در اختیار بازرس یا بازرسان اعزامی قرار داده و همکاری لازم را مبذول دارند.

تبصره ۱ - تخلف از تکلیف مندرج در این ماده در خصوص عدم همکاری در ارائه اسناد و مدارک مورد نیاز، موجب حبس از سه ماه و یک روز تا شش ماه یا انفصال موقت از خدمات دولتی و عمومی از سه ماه تا یک سال خواهد بود

تبصره ۲ - اسناد سرتی دولتی از حکم این ماده مستثنی است مگر به درخواست رییس سازمان بازرسی کل کشور و موافقت رییس قوه قضاییه

ماده ۹ - در اصلاحیه ۱۵-۷-۱۳۹۳ مجلس شورای اسلامی حذف گردید.

(چنانچه بازرس و یا هیأت بازرسی، در ضمن بازرسی و برای حسن انجام بازرسی و یا حسن جریان امور در دستگاه مشمول بازرسی، تعلیق یک یا چند نفر از کارکنان را تا پایان بازرسی ضروری تشخیص دهند، باید با ذکر جهات و علل، درخواست تعلیق را از طریق سازمان به وزیر یا رییس دستگاه مربوط اطلاع دهند. وزیر یا رییس دستگاه مربوط موظف است ظرف مدت ده روز نسبت به تعلیق آن کارمند اقدام نماید و نمی‌تواند به عذر این که درخواست مدلل نیست و یا دلایل غیر کافی است، از انجام تقاضا خودداری کند. در صورت عدم اجراء پیشنهادهای مذکور با اعلام مراتب و پس از رسیدگی و احراز استنکاف غیرموجه در دادگاه، مشمول مفاد ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی خواهد بود.)

ماده ۱۰ - وزیر یا مسئول دستگاه مربوط موظف است از تاریخ دریافت گزارش هیأت بازرسی حداکثر ظرف ده روز عملیات اجرایی را جهت انجام پیشنهادهای مندرج در گزارش مزبور، شروع و مفاد جریان کار را مرتباً به اطلاع سازمان برساند. سازمان موظف است تا حصول نتیجه نهایی جریان امر را پیگیری نماید.

تبصره - در مواردی که پیشنهادهای سازمان برای جلوگیری از وقوع جرم، تکرار تخلف یا سوء جریان امور باشد و عدم اجرای آنها موجب انجام عمل غیرقانونی شود و مسئول مربوطه از انجام آن استنکاف نماید با رسیدگی و احراز در دادگاه صالح مشمول مجازات مقرر در تبصره (۱) ماده (۸) این قانون می‌باشد

ماده ۱۱ - سازمان می‌تواند در موارد زیر نیز اقدام نماید:

الف) بهره‌گیری از توان تشکلهای غیردولتی و مردم نهاد و اشخاص واجد شرایط در بخش‌های علمی، تخصصی، صنفی و مردمی به منظور انجام وظایف محوله.

ب) با بهره‌گیری از فناوری‌های روز و هرگونه ابزار مناسب دیگر بر عملکرد شوراها و کمیسیون‌های مالی، معاملاتی و اعتباری دستگاه‌های مشمول بازرسی و انجام مناقصات و مزایده‌ها نظارت کند.

تبصره - مسئولان ذی‌ربط موظفند زمان تشکیل جلسات مجامع و شوراها را مورد نظر را به اطلاع سازمان برسانند.

ج) ارایه گزارش‌های نظارتی هشداردهنده به هنگام به مقامات مسئول جهت پیشگیری از وقوع جرم، تخلف و سوء جریانات احتمالی.

د) اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی عمومی از طریق رسانه‌های عمومی به منظور ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، با رعایت قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۴-۱۲-۱۳۹۲.

ماده ۱۲ - چنانچه بازرسان قانونی مؤسسات و شرکت‌های

مشمول بازرسی، مسئولان سازمان حسابرسی دولتی، حفاظت و اطلاعات و حراست و نظارت و بازرسی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مشمول بازرسی، به سوء جریانی در رسیدگی به عملکرد مالی و اداری دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت برسند که مربوط به وظایف سازمان بازرسی است، باید مراتب را به اطلاع سازمان بازرسی کل کشور برسانند.

مستنکف به مجازات مقرر در ماده (۶۰۶) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی «تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده» مصوب ۲-۳-۱۳۷۵ محکوم خواهد شد.

ماده ۱۳ - بوجه سازمان در بوجه کل کشور تحت ردیف مستقل ذیل ردیف دادگستری منظور و یک پنجم آن خارج از شمول قانون محاسبات عمومی و سایر مقررات مصرف خواهد شد.

ماده ۱۴ - آیین‌نامه اجرایی این قانون توسط سازمان بازرسی کل کشور تهیه می‌شود و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد.

ماده ۱۵ - قوه قضاییه، وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان امور اداری و استخدامی کشور در قسمت مربوط مأمور اجرای این قانون می‌باشد

ماده ۱۶ - از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، (قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰ و اصلاحیه آن مصوب ۱۳۷۵) که در تاریخ ۱۷-۴-۱۳۸۷ به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسیده بود نسخ می‌شود.

گفتار چهارم

نظریات شورای نگهبان

موارد اصلاح شورای نگهبان در خصوص اصل ۱۷۴ قانون تشکیل سازمان بازرسی پس از مصوبه ۱۵/۴/۱۳۹۰ مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۵ به شرح زیر می‌باشد:

رئیس محترم شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۵۵۴/۱۰۵۳۲ مورخ ۲۲/۰۲/۱۳۹۲ و پیرو نامه شماره ۷۳۲/۱۰۲/۹۳ مورخ ۰۱/۰۳/۱۳۹۳

طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور

مصوب جلسه مورخ هفدهم اردیبهشت ماه یک‌هزار و سیصد و نود سه مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۳۱/۰۲/۱۳۹۳ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱- با توجه به اینکه وظیفه سازمان بازرسی نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری است، از آنجا که روشن نیست در تبصره الحاقی به ماده ۱ منظور از مراحل قبل چه اموری است، ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

۲- در بند (ب) ماده ۲ اصلاحی موضوع بند ۳ ماده ۲، انجام بازرسی‌های فوق‌العاده به درخواست نماینده مجلس، مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی و اصول مربوط به وظایف و اختیارات نماینده شناخته شد. همچنین در خصوص رئیس جمهور و کمیسیون اصل نودم (۹۰) قانون اساسی حتی در مواردی که درخواست مربوط به حیطة اختیارات آنها باشد، در صورتی که به معنای الزام سازمان بازرسی به انجام بازرسی باشد اشکال دارد و این درخواست با این وصف باید از طریق رئیس قوه قضاییه و حسب دستور ایشان صورت پذیرد.

۳- در بند (ج) ماده ۲ اصلاحی موضوع بند ۴ ماده ۲، الزام ارسال گزارش به کمیسیون اصل نودم (۹۰) قانون اساسی، مغایر اصول ۵۷ و ۱۷۴ قانون اساسی شناخته شد.

۴- در بند (ه) الحاقی به ماده ۲ موضوع بند ۷ ماده ۲، عضویت یک نفر قاضی منصوب رییس قوه قضاییه، با توجه به ماهیت غیر قضایی کار این هیأت، مغایر اصول ۵۷ و ۶۰ قانون اساسی شناخته شد.

۵- در تبصره ماده ۶ اصلاحی موضوع ماده ۵، با توجه به اینکه در قانون آیین دادرسی کیفری اختیار رییس قوه قضاییه مربوط به مواردی است که آراء صادره خلاف بین شرع باشد. منظور از خلاف قانون در این تبصره روشن نیست.

۶- در تبصره یک ماده ۸ اصلاحی موضوع ماده ۶، با توجه به اینکه تخلف از تکلیف ماده ۸ قانون به عنوان جرم تلقی شده است، جرم‌نگاری نسبت به «عدم همکاری لازم» با توجه به مشخص نبودن حدود و نوع همکاری و نوع اشکال دارد.

۷- با توجه به جرم‌نگاری و تعیین مجازات در تبصره الحاقی به ماده ۱۰ موضوع ماده ۸، عنوان پیشنهادهای قانونی دارای ابهام است و لازم است عنوان مجرمانه دقیقاً معین شود تا اظهارنظر گردد.

به علاوه اطلاق تبصره نسبت به مواردی که عدم اجرای پیشنهاد حاوی تخلف از مقررات قانونی نیست، مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی شناخته شد.

۸- در بند (ب) ماده ۱۱ اصلاحی موضوع ماده ۹، واگذاری ایجاد

نهاد آمبود زمان بیشتر در کشورهای دارای

حکومت دموکراتیک یا گرفته است. در

چنین سیستمی، علاوه بر نظارت‌هایی که

از سوی پارلمان، دادگاه‌ها و دیگر نهادهای

بخش عمومی صورت می‌گیرد، آمبودزمان

به عنوان عامل کنترلی بر قدرت اجرایی یا

اداری عمل میکند.

ادامه از صفحه قبل:

هماهنگی‌های لازم، مستمر و منظم به سازمان بازرسی کل کشور، همان‌طور که قبلاً در موارد مشابه از جمله در خصوص ماده ۷ طرح عضویت و لغو عضویت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در برخی از شوراهای عالی، شوراها، مجامع و سایر هیأت‌ها و ماده ۱۹۶ قانون برنامه و پنجساله پنجم توسعه اعلام گردیده، مغایر اصول ۵۴، ۷۶، ۸۷، ۵۵، ۹۰ و بند ۳ اصل ۱۵۶ و اصول ۱۶۱، ۱۷۳ و ۱۷۴ قانون اساسی شناخته شد.

۹- در بند (ج) ماده ۱۱ اصلاحی و تبصره آن موضوع ماده ۹، معرفی نماینده به مجامع، شوراها و شناخته شد. عطف به نامه شماره ۱۳۹۳/۰۷/۲۰ مورخ ۱۳۹۳/۰۷/۲۰ و پیرو نامه شماره ۱۳۹۳/۰۷/۲۰ مورخ ۱۳۹۳/۰۵/۱۹؛ طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور که با اصلاحاتی در جلسه مورخ پانزدهم مهر ماه یکپهزار و سیصد و نود و سه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است؛ در جلسه مورد ۳۰/۰۷/۱۳۹۳ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

گفتار پنجم

رأی دیوان عدالت اداری در خصوص لغو بخشنامه شماره ۱،۱۹۶۷۱ سازمان بازرسی کل کشور ۳۰۱

نقل از شماره ۱۵۵۹۳-۱۳۷۷۶،۱۸-۱۳۷۷۶، روزنامه رسمی شماره ۹۱،۷۶، ۳،۶، ۱۳۷۷، ۳،۶

تاریخ ۷۶،۱۲،۲۳ دادنامه شماره ۱۸۵ کلاسه پرونده ۹۱،۷۶ مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکای آقای حسین قادری

موضوع شکایت وخواست: لغو بخشنامه شماره ۱،۱۹۶۷۱ مورخ ۷۳،۱۲،۸ سازمان بازرسی کل کشور.

مقدمه: شاکای طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، به دنبال شکایت از قاضی رسیدگی کننده به پرونده در دادستانی انتظامی قضات، مرجع مذکور قاضی موصوف را متخلف تشخیص و درخواست مجازات برای وی نموده است. به دنبال آن به دلیل اقدامات متعدد غیر قانونی و غیر اسلامی و غیر انسانی مسئول حراست گمرک و مأمورین که بعضاً نقض آشکار قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی بود شکایتی علیه مأمورین موصوف تسلیم سازمان بازرسی کل کشور مستقر در اهواز نمود که متأسفانه سازمان مذکور مستقر در اهواز اعلام می‌دارد که طبق بخشنامه شماره ۱،۱۹۶۷۱ مورخ ۷۳،۱۲،۸ ریاست سازمان بازرسی کل کشور به علت طرح شکایت در دادستانی انتظامی قضات از رسیدگی معذوریم. در حالی که دادستانی قضات فقط به تخلفات قاضی رسیدگی می‌کند و اساساً کاری به تخلف مأمورین و سازمانهای متخلف دیگر ندارد. بنا به مراتب درخواست ابطال بخشنامه شماره ۱،۱۹۶۷۱

مورخ ۷۳،۱۲،۸ را دارم. مدیر کل دفتر قوانین، مقررات و امور مجلس سازمان بازرسی کل کشور طی نامه شماره ۷۶،۶۳۹ مورخ ۷۶،۱۱،۲۵ در پاسخ به شکایت مذکور اعلام داشته‌اند: ۱- با توجه به مفاد بخشنامه مورد شکایت فقط بند ۱ آن ناظر به موضوع تقاضای شاکای می‌باشد و استماع شکایت شاکای در مورد بقیه بندهای آن فاقد وجاهت قانونی است. ۲- به استناد بند الف ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور رسیدگی به شکایت از طرز کار محاکم در صلاحیت سازمان بازرسی کل کشور قرار داده نشده است تا عدم رسیدگی به آن خلاف قانون باشد و بخشنامه صادره در مورد وظایف در بند ۱ نیز وفق قانون بوده و از اطاله رسیدگی و انجام کارهای موازی جلوگیری کرده است. ۳- همانطوری که شاکای اعلام داشته است از طرز کار قاضی محترم رسیدگی کننده شاکای بوده که دادرسی انتظامی قضات حسب ادعایش رسیدگی لازم معلوم داشته است و شکایت دیگر وی نیز سرت و بازداشت بوده که قانوناً رسیدگی به آن در صلاحیت این سازمان قرار ندارد، لذا ادعایش واهی و صدور بخشنامه مطابق مقررات بوده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست آیت الله موسوی تبریزی و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید: رأی هیأت عمومی با عنایت به وظایف و مسئولیتهای سازمان بازرسی کل کشور در جهت نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری از طریق بازرسیهای مستمری با فوق العاده و اعلام موارد تخلف و شکایات بشرح مواد ۲ و ۱ و تبصره ماده ۲ قانون بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰،۷،۱۹ و اینکه رسیدگی به شکایات اشخاص در سایر مراجع صالحه موجب زوال وظایف و تکالیف قانونی سازمان مذکور در امر رسیدگی به موارد تخلفات اعلامی

نمی‌باشد، مفاد بند ۱ بخشنامه شماره ۱،۱۹۶۷۱ مورخ ۷۳،۱۲،۸ مغایر مصدات قانون فوق الذکر تشخیص، و به استناد قسمت دوم

ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

کلاسه پرونده: ۹۸۰۴۰۷۲ شاکای: سازمان بازرسی کل کشور موضوع: وحدت رویه

تاریخ رأی: چهارشنبه ۷ خرداد ۱۳۹۹ شماره دادنامه: ۲۶۶ تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۲/۱۶

شماره پرونده: ۹۸۰۴۰۷۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام کننده تعارض: سازمان بازرسی کل کشور

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور به موجب نامه شماره ۵۲۹۶۱-۱۳۹۷/۳/۱۲ اعلام کرده است که: احتراماً به استحضار می‌رساند این سازمان در اجرای تکلیف مقرر در تبصره ۲ ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور اقدام به ارسال گزارش در ارتباط با آیین نامه و تصویب نامه و بخشنامه و دستورالعمل‌های صادره و شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی که حاکی از تشخیص تخلف در موارد فوق الذکر باشد به آن مرجع جهت رسیدگی و اتخاذ تصمیم شایسته قانونی ارسال داشته که بعضاً هیأت عمومی رسیدگی به گزارش مذکور را به شعب دیوان ارجاع می‌نماید، رویکرد شعب یاد شده نسبت به گزارش‌های مذکور متفاوت می‌باشد.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۲۹ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده‌های شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۰۷۴، ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۰۱۸۶ با موضوع دادخواست سازمان بازرسی کل کشور به طرفیت شورای اسلامی شهر کرمان- شهرداری کرمان و به خواسته ابطال مصوبه شماره ۱۳۹۱/۱۲/۲۱-۱۹۵۶ شورای اسلامی شهر کرمان به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۲۹۰۲۸۱۹-۱۳۹۶/۸/۲۵ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با توجه به درخواست شاکای مبنی بر ابطال مصوبه شماره ۱۹۵۶-۱۳۹۱/۱۲/۲۱ شورای اسلامی شهر کرمان با توجه به محتویات پرونده و مستفاد از آراء وحدت رویه به شماره‌های ۴-۱۳۹۱/۱/۱۴، ۲۵۷-۱۳۹۱/۵/۱۶-۵۱۷، ۱۳۹۱/۷/۲۴-۴۹۲، ۱۳۸۶/۱۱/۴-۳۳۳-۱۳۹۰/۸/۹-۵۶۳، ۱۳۹۰/۱۲/۸-۵۶۳ که مبین حقانیت شاکای بوده لذا شکایت وارد تشخیص و حکم به ابطال مصوبه مذکور صادر و اعلام می‌گردد. این رأی ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

در اثر تجدیدنظر خواهی از رأی مذکور، شعبه ۷ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۷۰۳۳۰۰-۱۳۹۵/۱۱/۱۶ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض می‌کند:

با توجه به اینکه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مصوبه مورد شکایت را قابل طرح در هیأت عمومی تشخیص نداده است و نظر به اینکه طبق مقررات ماده ۱۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری شعب دیوان به شکایتی رسیدگی می‌کند که شخص ذینفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی وی رسیدگی به شکایت را برابر قانون درخواست کرده باشد و سازمان بازرسی در شکایات موردی جزء هیچ کدام از موارد مندرج در ماده مذکور نمی‌باشد، بنابراین در شکایات موردی سازمان بازرسی ذی سمت نبوده از این حیث تجدیدنظر خواهی موجه تشخیص و به استناد مواد ۷۱ و ۵۳ قانون مذکور ضمن نقض رأی شعبه بدوی قرار رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

ب: شعبه ۳۰ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۰۳۲ با موضوع دادخواست سازمان بازرسی کل کشور به طرفیت شورای اسلامی شهر سنجند و به خواسته ابطال مصوبه شماره ۱۳۹۰/۲/۲۰-۲۳۵ شورای اسلامی شهر سنجند به موجب دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۰۳۰۰۰۰۰۲-۱۳۹۶/۱/۵ به شرح زیر رأی صادر کرده است: در خصوص شکایت سازمان بازرسی کل کشور به طرفیت شورای اسلامی شهر سنجند به خواسته ابطال مصوبه شماره ۱۳۹۰/۲/۲۰-۲۳۵ با عنایت به محتویات پرونده، مفاد دادخواست تقدیمی و لایحه جوابیه منعکس در پرونده، نظر به اینکه صلح دعوی راجع به اموال عمومی به دلالت اصل ۱۳۹ قانون اساسی مستلزم طی تشریفات مقرر من جمله تصویب هیأت وزیران می‌باشد که در مانحن فیه دلیلی بر این امر احراز نشده است. لذا تصویب توافق موضوع مصوبه معترض عنه مغایر قانون ذکر شده می‌باشد، بنابراین مستنداً به مواد ۱۰، ۱۱ و ۱۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم بر ورود شکایت و مالا ابطال مصوبه مورد اعتراض صادر و اعلام می‌نماید. رأی اصداری ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد. رأی مذکور به علت عدم تجدیدنظر خواهی قطعیست یافت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۱۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف: تعارض در آراء محرز است.

ب: بر اساس ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمانها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها و سازمان تأمین اجتماعی و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها و همچنین تصمیمات و اقدامات مأموران واحدهای مذکور در امور راجع به وظایف آنها، در صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری قرار دارد. همچنین بر مبنای ماده ۱۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مقرر شده است که: «شعب دیوان به شکایتی رسیدگی می‌کنند که شخص ذی نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی وی، رسیدگی به شکایت را برابر قانون درخواست کرده باشد.» و طبق بند «ب» ماده ۵۳ همین قانون، در صورت احراز ذی نفع نبودن شاکای در شکایت مطروحه، شعبه دیوان حتی قبل از ارسال دادخواست و ضمانت به طرف شکایت، قرار رد شکایت صادر می‌کند. بنا به مراتب فوق و با عنایت به اینکه بر مبنای رأی وحدت رویه شماره ۳۷، ۳۸ و ۳۹-۱۳۶۸/۷/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، صرفاً اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی، از امکان طرح شکایت در دیوان برخوردار بود و شکایات و اعتراضات واحدهای دولتی در هیچ مورد قابل طرح و رسیدگی در شعب دیوان عدالت اداری نیست و همچنین با لحاظ این موضوع که بر مبنای ماده ۱۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، شرط تقدیم دادخواست در دعاوی موردی، احراز ذینفع بودن شاکای بوده و حکم مقرر در تبصره ۲ ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور نیز در رابطه با ارسال شکایات سازمان بازرسی کل کشور به دیوان ناظر بر دعاوی موضوع ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری است و منصرف از دعاوی موضوع ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری است، لذا رأی شماره ۳۳۰۰-۱۳۹۵/۱۱/۱۶ شعبه هفتم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری که بر مبنای عدم قبول سمت سازمان بازرسی کل کشور در شکایت مطروحه توسط آن سازمان در شعبه دیوان صادر شده، صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

گفتار ششم

سوم: چالش‌های حقوقی

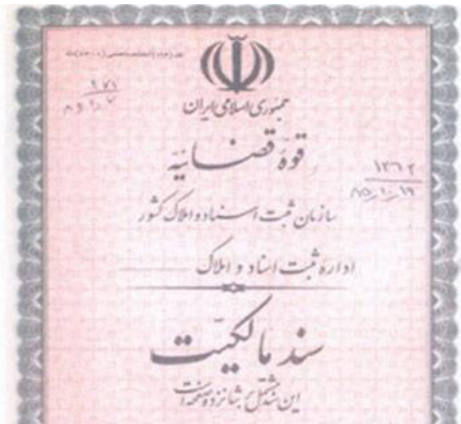
- ۱- عدم وجود شاخص‌هایی که بتوان نتایج مورد انتظار را با آن‌ها سنجید
- ۲- عدم وجود استاندارد یا الگوی مطلوب برای مقایسه با وضعیت موجود
- ۳- عملکرد ضعیف هیأت‌های بازرسی و کنترل و عدم بازرسی عمقی از سازمان تحت بازرسی و اکتفا به بازرسی سطحی در اکثر موارد
- ۴- ارزیابی از ویژگی‌های شخصیتی افراد به جای عملکرد و وظایف آن‌ها
- ۵- سخت‌گیری بیش از حد یا چشم‌پوشی‌های ناروا
- ۶- تعدد مراکز نظارت و بازرسی و وجود سازمان‌های موازی و عدم هماهنگی و ارتباط نظام مند برای تبادل اطلاعات میان آن‌ها
- ۷- عدم وجود امکانات، ابزار و بستر کافی برای کنترل مؤثر و کشف و مستندسازی جرائم
- ۸- عدم حمایت کافی و لازم از اصل نظارت و نبود یک عزم سیاسی و همگانی در این باره
- ۹- محدود شدن غالب بازرسی‌های دستگاه‌های نظارتی به حسابرسی مالی (و نه حسابرسی مدیریت)
- ۱۰- فقدان نیروی انسانی کافی و مجرب و نیز متخصصان اقتصادی-حقوقی به ویژه در مبارزه با مفاسد مالی در سازمان‌هایی چون سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات کشور
- ۱۱- فرهنگ بازرسی‌گریزی حاکم بر دستگاه‌های اداری و تلقی آن به معنای مچ‌گیری و... دانست

* پژوهشگری دکتری حقوق عمومی

و وکیل پایه یک دادگستری

مزایای سند رسمی در برابر سند تجاری

درخواست صدور اجراییه کرد و در مدت کوتاهی در مقایسه با روند طولانی دادرسی به حق خود دست یافت برای مثال وقتیکه یک آپارتمانی میخریم و فروشنده ضمن سند چند ماه زمان برای تخلیه و تحویل مورد معامله درخواست میکند و خریدار نیز قبول میکند آنگاه در سند قید میشود که ملک تخلیه و تحویل خریدار نشده است و یک قبض تخلیه که به امضاء فروشنده بعنوان متعهد جهت تخلیه رسیده است در اختیار خریدار قرار میگیرد و در صورت عدم اجرای



حامی عدالت - حسن سلیمی: گفته شد سندی، رسمی است که در ادارات ثبت اسناد و املاک یا دفاتر اسناد رسمی و یا نزد سایر ماموران دولتی در حدود صلاحیت آنها و طبق قوانین و مقررات تنظیم میشود؛ در این نوشتار قصد داریم وجوه تمایز و امتیازات سند رسمی را در قیاس با اسناد عادی برشمیریم که برخی از آنها عبارتند از:

۱- طبق ماده ۷۰ قانون ثبت تمامی محتویات و امضاءهای مندرجه در سند رسمی معتبر است مگر اینکه معقولیت آن ثابت شود. بدیهیست

معقولیت سند فقط با حکم قطعی و نهایی مراجع قضائی امکانپذیر است.

۲- در پیوند با مطلب بالا هر کدام از مامورین اداری یا قضائی که محتویات و امضاءهای سند رسمی را نادیده بگیرد و به آن ترتیب اثر ندهند به شش ماه تا یکسال انفسال موقت محکوم خواهد شد. ۳- اسناد رسمی نسبت به طرفین، وراثت و قائم مقام قانونی آنها معتبر است در حالیکه اسناد عادی در صورتی از چنین امتیازی برخوردار هستند که در دادگاه اصالت آن مورد حکم واقع شود یا از طرف کسی که سند علیه او ابراز شده است مورد تصدیق قرار گیرد (ماده ۱۲۹۰ قانون مدنی)

۴- تاریخ تنظیم سند رسمی معتبر است حتی نسبت به اشخاص ثالث است (ماده ۱۳۰۵ ق.م.ا) این مزیت باعث میشود که هنگامیکه شخصی که ملکی را با سند رسمی میفروشد اگر همان ملک را با سند عادی یا رسمی بعدی به دیگری بفروشد عمل او باطل و معامله وی فاسد است و حتی اکنون در مواردی اساسا امکانپذیر نیست.

۵- طبق ماده ۲۲ قانون ثبت دولت فقط کسی را مالک ملکی میشناسد که ملک به اسم او ثبت شده یا ملک بصورت رسمی با او منتقل شده و این انتقال نیز در دفتر املاک اداره ثبت به ثبت رسیده یا ملک از مالک رسمی به ایشان ارث رسیده باشد. ۶- در مقابل اسناد رسمی فقط میتوان ادعای جعل مطرح نمود و ادعای انکار و تردید به هیچ وجه پذیرفته نیست ادعای انکار غالباً موجب اطاله دادرسی میشود و شخص امضاء یا اثر

مهمترین خصوصیت سند رسمی لازم الاجراء بودن آن است بدین معنا در اسنادی که حاوی تعهدی باشند بدون مراجعه به دادگاه و صرفاً از طریق دفتر خانه صادر کننده سند میتوان درخواست صدور اجراییه کرد و در مدت کوتاهی در مقایسه با روند طولانی دادرسی به حق خود دست یافت

انگشت خود را منکر میشود؛ ادعای تردید، اما هنگامی مطرح میشود که شخصی امضاء یکی از منسوبین خود را ذیل سندی مورد تردید قرار دهد.

۷- امضاء یا اثر انگشت ذیل اسناد رسمی در هنگام لزوم به کارشناسان رسمی کمک میکند تا سند معقول از غیر آن شناسائی شود؛ به این ترتیب که امضا و اثر انگشت ذیل اسناد رسمی اساس تطبیق قرار میگیرد.

۸- مهمترین خصوصیت سند رسمی لازم الاجراء بودن آن است بدین معنا در اسنادی که حاوی تعهدی باشند بدون مراجعه به دادگاه و صرفاً از طریق دفتر خانه صادر کننده سند میتوان

تعهد توسط فروشنده، خریدار در تاریخ سر رسید با مراجعه به دفتر اسناد رسمی صادر کننده سند تقاضای صدور اجراییه میکند پس از ابلاغ و اخطار به فروشنده، اجراییه صادر میشود و به دایره اجراء ادارات ثبت ارسال میشود و اداره اجراء بلافاصله با هماهنگی با مامورین ملک را تخلیه و تحویل خریدار میدهد؛ همینطور است در مواقعی که مستاجر ملکی از پرداخت اجاره بپناه یا تخلیه مورد اجاره در پایان مدت اجاره استنکاف میکند در اینصورت نیز هنگامیکه بین موجر و مستاجر سند رسمی در دفتر خانه تنظیم شده باشد، موجر با مراجعه به دفتر خانه درخواست صدور اجراییه عملیات تخلیه را شروع میکند و دفتر خانه تنظیم کننده سند با صدور اجراییه و ابلاغ آن به مستاجر و بعد از آن ارجاع به دایره اجراء میتواند اجاره های معوقه و تخلیه ملک را خواستار شود که این مهم معمولاً در مدتی کمتر از پانزده روز انجام میپذیرد.

۹- بعنوان آخرین مزیت برای اسناد رسمی میتوان متذکر شد که اگر کسی بخواهد در دادگاه طرح دعوا کند و این نگرانی را دارد که خواسته وی تا زمان صدور حکم قطعی و نهایی شدن آن تضییع شود و از بین برود میتواند از دادگاه درخواست صدور قرار تامین خواسته نماید و اگر دعوی ایشان مستند به سند رسمی باشد دادگاه مکلف به قبول آن بدون پرداخت خسارت احتمالی است. در پایان متذکر میگردیم که امتیازات فوق برخی از مهمترین مزایای سند رسمی در مقابل اسناد عادیست و موارد دیگری هست که در این یادداشت مجال پرداختن بدان نبود.

شرط مهم برای صدور پایان کار ساختمان

عایق کاری لوله های تالسیسات و سیستم تولید آب گرم، نصب سیستم های کنترل کننده موضعی نظیر شیرهای ترموستاتیک روی رادیاتورها و نصب سیستم های کنترل مرکزی هوشمند و مجهز به سنسور اندازه گیری دمای هوای محیط در ساختمان ها الزامی است.

ساختمان، رعایت مواردی شامل عایق کاری دیوارهای خارجی ساختمان نظیر عایق کاری دیوارهایی که با محیط بیرون یا فضاهایی که از نظر دمایی کنترل نمی شوند، نصب پنجره های دوجداره با قاب های فلزی ترمال بریک، چوبی یا PVC استاندارد، عایق کاری کانال های هوارسانی به همراه

بر اساس تصویب نامه هیات وزیران، ارائه گواهینامه پایان کار ساختمان های جدید از ابتدای سال ۱۴۰۲ منوط به رعایت مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان است و در غیر این صورت گواهینامه پایان کار واحدهای مسکونی صادر نخواهد شد. بر اساس جزئیات مندرج در مبحث ۱۹ مقررات ملی

سید محمد ابراهیم اقبالی به عنوان معاون دادستان عمومی انقلاب یزد معرفی شد

پیشگیری از وقوع جرم و آسیب های اجتماعی را یکی از رسالت های مهم دادسرا ذکر کرد و گفت: تدوین سیمای جرائم و برنامه ریزی در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و آسیب های اجتماعی مبتلا به شهرستان با جلب کمک و مشارکت سایر نهادهای انتظامی، امنیتی و فرهنگی باید در دستور کار باشد. شایان ذکر است با حکم حجت الاسلام والمسلمین محسنی اژه ای، ریاست قوه قضائیه، پس از تقدیر از تلاش های حمیدرضا بابایی، وی به سمت معاون اجرای احکام دادگستری شهرستان یزد منصوب شد و سید محمد ابراهیم اقبالی که سابقه دادستانی شهرستان های اشکذر و تفت را نیز در کارنامه دارد، به عنوان معاون جدید دادستان عمومی و انقلاب یزد در امور عمومی و ضابطین منصوب گردید.



به افزایش کیفی کشف جرم کمک می کند و آموزش مهارت های رفتاری، موجب ارتقاء مهارت های کنترل خشم و پیشگیری از آسیب می شود. این مقام قضائی

در نشستی با حضور دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان یزد، فرماندار، جمعی از فرماندهان انتظامی و مسئولین شهرستان یزد، از زحمات چند ساله حمیدرضا بابایی تقدیر و سید محمد ابراهیم اقبالی به عنوان معاون جدید دادسرا معارفه شد. دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان یزد در این نشست، اظهار داشت: ایجاد امنیت، ارتقاء احساس امنیت و جلب رضایت مردم با تکیه بر همکاری و هم افزایی باید مورد اهتمام باشد. محمدرضا حدادزاده بر برنامه ریزی و اجرای برنامه های تحولی تأکید کرد و گفت: تحقق اهداف و اجرای برنامه های تحولی، نیازمند برنامه ریزی هدفمند و تلاش مضاعف و کار فوق العاده است. وی برگزاری دوره های آموزشی ضابطین را مهم و ضروری دانست و تصریح کرد: ارتقای دانش حقوقی و افزایش مهارت و دانش شغلی،

وضعیت اسناد رسمی در حقوق ایران

گفتگو: حامی عدالت - لیلا جعفری



حامی عدالت: کتاب «مطالعه تطبیقی ماهیت و آثار اسناد رسمی در حقوق ایران، فقه امامیه و حقوق بین الملل» بهار امسال وارد بازار کتاب شده است. چتر دانش انتشار و چاپ این اثر را به عهده دارد. تعداد ۱۵۳ صفحه و شمارگان یک هزار نسخه از خصوصیات این کتاب به شمار می‌رود. این اثر حقوقی که به نمایشگاه کتاب امسال نیز راه پیدا کرده بود از تالیفات دکتر عبدالرضا اسکندری است. این مدرس حوزه و دانشگاه دکترین فقه و مبانی حقوق دارد و تالیفات دیگری نیز در کارنامه کاری خود دارد. «قاعده وزر در مصاف با حبس تعزیری»، «ترجمه کتاب القضاء وسائل الشیعه» دیگر آثار او به شمار می‌رود. با هم گفت‌وگوی حامی عدالت را با این مولف جوان و فعال در عرصه حقوق می‌خوانیم.

نام ببرید.

از جهت تفاوت ماهوی و شکلی کشورهای مختلف در این زمینه است. اگرچه با تشکیل اتحادیه بین‌المللی سردفتران، تا حدی هماهنگی‌های لازم صورت گرفته اما این اتحادیه شروع راه پریچ و خم یکسان‌سازی اسناد رسمی است.

۹ در رابطه با موضوع تالیف، شرایط حقوقی کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ پیشنهادی در این رابطه ارائه کنید.

در سال‌های اخیر با راه‌اندازی سامانه ثبت الکترونیکی سند، سامانه تصدیق اصالت سند و... شرایط کاملاً دگرگون شده است. مشکلی که گاهی باعث اطاله روند صدور سند رسمی در دفاتر می‌شود عدم هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف است.

۹ شرایط چاپ کتب حقوقی را در کشور چگونه می‌بینید؟ به عنوان یک مولف از روند چاپ آثار حقوقی از جمله آثار خود راضی هستید؟

بنده با مشکل خاصی مواجه نبودم. ولی می‌توانم بگویم که تنها نکته‌ای که نیاز به اصلاح دارد نبود نظارت محتوایی و تخصصی در این زمینه است.

۹ رعایت نشر و روانی آن در کتاب‌های حقوقی گاهی بین مولفان کتب حقوقی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد چون بیشتر این دسته از نویسندگان به دنبال انتقال محتوای علمی به مخاطب هستند. شما در نگارش اثر خود تا چه اندازه به این موضوع توجه داشته‌اید و یا برای آن وقت صرف کرده‌اید؟ در این باره از نویسندگان و ادیبانی که صرفاً تخصص در نثرنویسی دارند هم کمک گرفته‌اید؟

در این زمینه خوانندگان محترم باید قضاوت کنند اما بنده سعی کردم تا حد امکان از ادبیات تخصصی و کلماتی که ممکن است برای بسیاری از افراد نامانوس باشد فاصله بگیرم تا این تحقیق برای بیشتر مردم قابل درک و خوانش باشد.

مصباح‌الفقاهه آیت‌الله خویی، ریاض المسائل و تفسیر مجمع البیان از کتب عربی بود که در حوزه معرفی فقهی سند و معناشناسی کریمه ۲۸۲ بقره به آن مراجعه داشتم.

از دو منبع انگلیسی زبان هم برای شناخت جایگاه سند رسمی در نظم حقوقی بین‌الملل استفاده کردم که در پایان اثر به آن اشاره شده است.

۹ در انتخاب منابع از نشریات نیز بهره برده‌اید؟

منابعی که در تحقیق در این زمینه کار شده بیشتر به شکل کتاب است؛ چراکه نشریه تخصصی با موضوع اسناد رسمی بنده ندیدم. شاید برای همین است که کمتر نویسنده‌ای به نگارش مقاله در این زمینه روی آورده باشد.

۹ مخاطب اصلی این کتاب را چه گروهی از مخاطبان کتاب در نظر گرفته‌اید؟

مخاطب اصلی کتاب، اساتید و دانشجویان حقوق و فقه، سردفتران و کارکنان دفاتر اسناد رسمی و نیز کادر قضائی کشور و وکلای دادگستری هستند.

نثر کتاب به گونه‌ای نوشته شده است که اشخاص غیرحقوقی نیز بتوانند از آن بهره ببرند؟

می‌توانم بگویم اشخاصی که گذرشان به دادگاه، دادسرا یا دفاتر اسناد رسمی افتاده باشد نیز بی‌بهره از مطالعه این کتاب نخواهند بود.

۹ دست‌آورد و نتایجی که در تحقیقات خود به دست آورده‌اید چیست؟

یافته‌های بنده در این تحقیق مختصر اولاً دست‌یابی به نگاه کلی و راهبردی نسبت به سند رسمی و عدم اکتفا به اسناد رسمی سنتی و رایج است. ثانیاً پیدا کردن خلاهای موجود در زمینه سند رسمی

۹ بفرمایید نگارش کتاب چند وقت طول کشید؟

نگارش کتاب حدود ۹ ماه طول کشید.

۹ چه طور شد که به فکر تالیف این اثر افتادید؟

با توجه به جایگاهی که اسناد به خصوص اسناد رسمی در اثبات دعاوی دارد علاقه داشتم که با شناخت و معرفی ماهیت و آثار سند رسمی به جامعه حقوقی خدمتی کرده باشم. همین شد که تالیف و تحقیق این کتاب را شروع کردم.

۹ برای آشنایی بیشتر مخاطبان محترم هفته‌نامه، توضیحی کلی در ارتباط با اثر تالیفی خود ارائه کنید.

کتاب مطالعه تطبیقی ماهیت و آثار سند رسمی در حقوق ایران، فقه امامیه و حقوق بین‌الملل، پژوهشی است با رویکرد نو به آیه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره که به مومنین دستور نگارش و ثبت دیون مالی و شاهد گرفتن بر آن را می‌دهد. این تحقیق در دو فصل کلی ساماندهی گردیده است. فصل اول اختصاص به کلیات و مبانی تحقیق دارد و فصل دوم پیرامون بنده اصلی تحقیق یعنی معرفی ماهیت و آثار سند رسمی ساماندهی شده است. خواننده این تحقیق علاوه بر آشنایی تفصیلی با ماهیت و آثار سند رسمی، اجمالاً با مفاد کنوانسیون بین‌المللی حل و فصل اختلافات ناشی از میانجیگری و قلمرو آن و نیز قلمرو اتحادیه بین‌المللی سردفتران آشنا می‌شود.

۹ تحقیق و پژوهشی که در رابطه با این تالیف داشتید چگونه بوده است؟

از کتابخانه‌های مجازی مانند نور لیب و نور مگز و نیز ایران داک و... بهره مند بودم. با چند نفر از سردفتران کهنه کار نیز مشورت و گفت‌وگو داشتم.

از منابع غیرفارسی نیز استفاده کرده‌اید؟ منبعی را که به کار برده‌اید

خوانش بخشی از کتاب

مطالعه تطبیقی ماهیت و آثار اسناد رسمی در حقوق ایران، فقه امامیه و حقوق بین الملل

و فلسفی حقوق، برای درک بهتر و اصلاح حقوق داخلی این علم به‌کار می‌آید. همچنین ضرورت‌های عملی و توسعه روزافزون روابط بازرگانی بین کشورها، مطالعه نظام‌های حقوقی بیگانه را بیش از پیش ایجاب می‌کند.

حقوق بین‌الملل مجموعه قواعدی است که در رابطه بین دولت‌ها مورد پذیرش قرار می‌گیرند. این یک چارچوب برای انجام روابط بین‌المللی با ثبات و سازمان یافته است. به عبارت دیگر، حقوق بین‌الملل، شاخه‌ای از علم حقوق است که شامل قواعد حاکم بر آن دسته از روابط افراد، سازمان‌ها و دولت‌ها که دارای حداقل یک عنصر خارجی و بین‌المللی باشند. حقوق بین‌الملل، حقوق جامعه بین‌المللی است؛ یعنی قواعد و مقرراتی است که بر جامعه بین‌المللی حاکم و قابل اجراست. یکی از مباحث مرتبط با حقوق بین‌الملل، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی است که بر اساس حقوق بین‌الملل ایجاد شده‌اند. هر یک از این سازمان‌ها یا نهادهای، بر اساس یک ویژگی یا خصیصه مهم و معتبری تاسیس و ایجاد می‌شوند. در زمینه اسناد رسمی، آنچه شایان توجه است، این است که تاکنون، سازمان یا نهادی که بتواند

ماهیت و آثار اسناد رسمی را در خود جای دهد، تاسیس نشده است. ضرورت‌های اجتماعی و نیازهای مختلف باعث می‌شود که تابعین یک کشور، در خارج از محدوده کشورشان سفر نمایند و داخل در محدوده کشور دیگر گردند و در کشور دیگر به داد و ستد، انعقاد قرارداد و تنظیم اسناد بپردازند و وارد معاملات گردند. در اینجاست که تبعه خارجه در هنگام تنظیم اسناد و حتی فراتر، امور مرتبط با اسناد با مشکل روبرو می‌شود که در اینجا چه اقدامی متصور است؟ آیا باید بر طبق قانون کشور خود عمل نماید؟ یا اینکه بر اساس قانون کشور اقامتگاه عمل نماید؟...»



«...در زمینه نوع نگرش به سند رسمی در فقه و حقوق ایران و حقوق بین‌الملل علیرغم وجود شباهت‌ها، تفاوت‌هایی هست که مانع همکاری و همزیستی آن‌ها می‌شود. از جمله این شباهت‌ها می‌توان به تنظیم سند توسط مأمور رسمی، وجود قدرت اثباتی و اجرائی سند رسمی و... اشاره کرد. در زمینه وجود تفاوت‌ها، آنچه به عنوان رکن به وجودآورنده اختلافات مورد توجه قرار می‌گیرد، این است که نظام اسناد رسمی مانند سایر نهادهای حقوقی، متأثر از نظام حقوقی است که هر کشوری برای خویش برگزیده است. به عنوان مثال، نظام حقوقی ایران که متأثر از فقه امامیه و شریعت اسلام است، در زمینه اسناد رسمی و کلیه مباحث مرتبط با آن، نیز از فقه امامیه تبعیت می‌کند. در کشوری نظیر انگلستان که مبتنی بر نظام کامن‌لا می‌باشد، ممکن است در زمینه اسناد رسمی، از ارکان نظام موصوف تبعیت کند.

حال باید از مجرای مطالعه تطبیقی راهی برای تبیین مشترکات و تقویت آن‌ها و نیز حل تعارض‌ها و سازش بین نظرات متفاوت پیدا کرد. به منظور بررسی ماهیت و آثار اسناد رسمی در کشورهای مختلف و نظام‌های حقوقی متفاوت، بهترین و کارآمدترین ابزار و وسیله بررسی تطبیقی آن نظام‌ها می‌باشد که به طور طبیعی، نتیجه آن، دستیابی به ماهیت و آثار اسناد رسمی در نظام‌ها و کشورهای مورد نظر خواهد بود. این چنین کاربرد و موارد شیه به آن باعث گردیده است که بررسی تطبیقی و به دنبال آن حقوق تطبیقی در جهان امروز اهمیت و گسترش چشم‌گیری پیدا کرده و پژوهش در این زمینه مورد توجه خاص اندیشمندان و پژوهشگران است. در عقد قراردادهای بین‌المللی، حل اختلافات بین‌المللی و به‌طور کلی برای تنظیم بهتر روابط بین‌المللی، در بررسی‌های تاریخی

پیدایش حقوق از ۱۱ هزار سال پیش در ایران

گفتگو: حامی عدالت - لیلا جعفری



لیلا جعفری: کتیبه‌ها و مهرهای به جامانده از باستان، امروزه اسناد ارزشمندی محسوب می‌شوند. ارزش این اسناد نه تنها از نظر علم باستان‌شناسی مورد اهمیت هستند که از نظر حقوقی نیز به عنوان ریشه و اصالت در نظر گرفته می‌شوند. شاید این پرسش مطرح شود که چنین قوانینی و پیدا کردن آنان در جهان امروز که قوانین با زندگی روز بزرگ تغییر شده است، چه ضرورتی می‌تواند داشته باشد، ولی می‌توان در پاسخ گفت، بررسی اصالت در هر مقوله می‌تواند اعتبار دو چندانی به اهمیت آن مقوله ببخشد.

در این شماره از حامی عدالت به معرفی و بررسی قانون‌نامه‌هایی پرداخته‌ایم که از گذشته‌های بسیار دور و حتی دوران پیش از تاریخ در ایران و برخی از نقاط جهان به جا مانده است. لیلا مکوندی، دکتری باستان‌شناسی در این بررسی ما را یاری کرده است. این بانوی پژوهشگر بر متون و کتیبه‌های به جا مانده از تاریخ کهن مطالعه جدی داشته است. وی عضو هیئت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه کاشان نیز هست. حوزه تخصصی مکوندی، مهر و بایگانی‌های اداری است که بیشتر نیز بر دوره هخامنشی و البته حوزه تخصصی دوره تاریخی عیلام و هخامنشی تمرکز دارد. در گفت‌وگویی تخصصی با این بانوی فرهیخته به نکاتی شنیدنی دست یافته‌ایم. با هم گفت‌وگوی حامی عدالت را با دکتر لیلا مکوندی، درباره‌ی قانون‌نامه‌های باستانی می‌خوانیم.

ممکن بوده است که برخی از قوانین در یک شهر اجرا شود و در شهری دیگر همان قوانین به صورتی دیگر اجرا شود.

این تغییر در قوانین، مطالعات باستان‌شناسی و یافته‌های حقوقی را دچار اشکال نمی‌کند؟

این یک نکته مهمی است که مطالعات اسناد حقوقی در کتیبه‌های میخی را با چالش‌های خاص خودش مواجه می‌کند، اما با این وجود خوشبختانه تا به امروز ده‌ها کتاب در این زمینه نوشته شده و همین‌طور صدها مقاله به اشکال مختلف درباره‌ی خوانش یا تحلیل قوانین حقوقی و کاربرد آن‌ها نوشته شده است. پروژه‌های دانشجویی متعددی در سراسر دنیا بر روی این اسناد انجام شده و برخی از آن‌ها هنوز در حال انجام است و روز به روز دانش ما را نسبت به این اسناد بیشتر هم می‌کند.

در رابطه با اسناد حقوقی و قانون‌نامه‌ها توضیح دهید.

در یک تقسیم‌بندی، متون میخی به جای مانده حقوقی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. گروه اول که به عنوان قانون‌نامه شناخته می‌شوند بندها و تبصره‌های قانونی هستند، مانند: قانون‌نامه حمورابی. قوانین مربوط به خانواده، مالکیت، تجارت و... در قانون‌نامه‌ها آمده است. گروه دوم متون میخی که پژوهشگران مورد مطالعه قرار می‌دهند و تعداد آن‌ها به هزاران متن می‌رسد، شامل قراردادهای حقوقی مختلف هستند. بندهای قانونی که در قانون‌نامه‌ها آمده در زندگی روزمره بر حسب مورد و ضرورت استفاده می‌شده است. به طور مثال در یک متن قانونی مربوط به ازدواج، که سندی قانونی محسوب می‌شود، از خاندان داماد و خاندان عروس نام برده شده و این‌که عروس چه پشتوانه‌ای دارد که به زبان امروزی به آن جهیزیه می‌گوییم. وظایف داماد نیز در چنین متونی قید شده است. حتی برخی از افراد به عنوان شاهد آن متن قانونی را تایید و امضا کرده‌اند و مهر نیز شده است.

چه جالب، حتی شاهد و امضا نیز پای سند وجود دارد! اسناد دیگر چگونه است؟

به عنوان نمونه‌ای دیگر در سندی قانونی مربوط به مالکیت خرید یک زمین در آن گفته شده که نام خریدار و فروشنده چیست و متراترژ زمین چه اندازه بوده و بنا به چه ماده قانونی به شخص خریدار فروخته شده است. جزئیات مربوط به این موضوع نوشته شده و در آخر نیز توسط شاهدان امضا شده



وقتی سخن از کتیبه و آثار حقوقی به جا مانده

از باستان سخن به میان می‌آید، تصویر منشور کوروش و چنین آثاری در ذهن تداعی می‌شود. آیا اسناد حقوقی که می‌خواهیم درباره‌شان حرف بزنیم به همین موارد محدود بسنده می‌شود؟

اسناد حقوقی که در کتیبه‌ها و الواح میخی ثبت شده اند، به تعداد زیادی وجود دارند. شاید بیش از صد هزار سند در این زمینه داشته باشیم که البته در فرم‌های مختلفی نیز وجود دارند.

مربوط به کدام نقاط هستند؟

عمده این اسناد از بین‌النهرین یا عراق امروزی به دست آمده‌اند، در کنار آن‌ها نیز از حوزه عیلام یا عیلامی‌ها در جنوب غربی ایران در خوزستان و فارس به دست آمده‌اند و همین‌طور بخشی از این اسناد هم از ترکیه امروزی یا آسیای صغیر مربوط به تمدن هیتی و میتانی در هزاره دوم قبل از میلاد است.

قدمت این اسناد در سرزمین ایران چگونه است؟

این اسناد قدیمی‌ترین اسنادی هستند که قوانین حقوقی در آن‌ها ثبت و ضبط شده است و به اشکال مختلفی نیز وجود و یا کاربرد داشته‌اند. می‌توانیم درباره هر کدام از آن‌ها صحبتی داشته باشیم. نکته مهم درباره این اسناد این است که منطقه‌ای هستند و جامع و فراگیر نیستند.

به چه معنی؟

وقتی درباره قوانین حقوقی امروزی صحبت می‌کنیم، با قوانین بین‌الملل یا فرم‌های جهان‌شمول تری رو به رو هستیم. اما قوانین و اسناد حقوقی که به خطوط میخی نوشته شده‌اند منطقه‌ای است و می‌تواند دوره به دوره با رویکرد هر دوره تغییر کرده و نظریات گروه خاصی به

آن‌ها اعمال شود. حتی این قوانین می‌توانسته در بازه‌های کوتاه‌مدت وضع شده و تغییر کند. محتوای آن‌ها ثابت نیست و در طول زمان، کوچکترین تغییرات فکری و سیاسی بر نوع و ماهیت و کاربرد آن‌ها در امور روزمره زندگی مردمان آن جامعه تاثیر می‌گذاشته است.

بنابراین با نگاه جهان‌شمول و کامل به این قوانین نگاه نشده است بلکه نگاه منطقه‌ای به این قوانین صورت گرفته است. ما حتی در یک دوره مانند هخامنشی می‌دانیم که قوانین حقوقی در هر منطقه و ساتراپی با قوانین و حقوقی در منطقه و ساتراپی دیگری متفاوت بوده است؛ یا حتی اگر جزئی‌تر به مسئله نگاه کنیم، در جنوب بین‌النهرین که به سرزمین بابل معروف است و شهرهای متعددی را در آن قسمت داریم

بر اساس تعدادی از متون قانونی که توسط زبان‌شناسان متخصص در حوزه خطوط میخی به دست آشورشناسان خوانده شده است می‌شود گفت که قدیمی‌ترین متن حقوقی که داریم مربوط به سلسله سوم سومر است

ادامه از صفحه قبل:

است. در موارد دیگری مربوط به ارث و فرزندخواندگی و ... تمام موارد دسته‌بندی شده است. در این زمینه کتاب‌هایی منتشر شده که اسناد خاصی درباره‌ی حقوق فرزند و یا فرزندان را مورد بررسی قرار داده است. نکته دیگری که شاید بیان آن جالب باشد این است که ما در یک سری از متون که در اصطلاح واژه‌نامه نام دارند، کلمات با معانی آن‌ها ثبت شده که برخی از آن‌ها مربوط به کلمات و اصطلاحات حقوقی است.

۹ درواقع فرهنگ‌نامه‌هایی حقوقی نوشته می‌شده که مانند دیکشنری امروزی کاربرد داشته است؟

گروهی از این متون واژه‌نامه‌ها مربوط به متون قانونی است و در آن کتیبه‌ها دقیقاً مشابه با دیکشنری، اصطلاحات حقوقی و قانونی نوشته شده را معرفی کرده و نه تنها توضیحات مربوط به آن‌ها را ارائه کرده که حتی کاربرد و محل کاربرد آن‌ها را نیز آورده است. تعداد کمی از این واژه‌نامه‌ها مربوط به متون حقوقی از بین‌النهرین به دست آمده است. این‌طور که پیداست در مواقع نیاز و ضرورت، به این اسناد مراجعه می‌کرده‌اند و با یادداشت‌برداری از محتوای آن‌ها، نکات لازم را مورد استفاده قرار می‌داده‌اند.

۹ درباره خط به کار رفته در متون حقوقی توضیح دهید.

اسناد از زمانی که خط میخی مورد استفاده قرار می‌گیرد، یعنی از حدود ۲۶۰۰ قبل از میلاد به بعد، به شکل کامل‌تر و جامع‌تر و متنوع‌تری شکل گرفته است.

۹ دلیل این تنوع به خاطر خط میخی چیست؟

به این دلیل که خط میخی گرامر و دستور زبان دارد و به طور کامل یک خط به حساب می‌آید. از طریق آن می‌توانسته‌اند اسناد مختلف را بنویسند در صورتی که خط اولیه‌ای که در ۳۳۰۰-۳۴۰۰ قبل از میلاد (حدود ۵ هزار و پانصد سال قبل) ابداع می‌شود گرامر نداشته و شامل یک سری از نمادهای قراردادی بوده است؛ به این ترتیب قابلیت‌های نوشتن جملات طولانی و بحث و توضیح مسائل و قوانین حقوقی را نداشته، اما با ابداع خط میخی این تبیین و توضیح بیشتر در قالب جمله‌بندی‌ها اتفاق می‌افتد.

۹ برای پیدایش این متون متنوع چه تاریخی می‌توان در نظر گرفت؟

برای این که درباره‌ی متن‌های حقوقی صحبت کنیم، که می‌شود گفت تقریباً از ۲۳۵۰ قبل از میلاد دارای تنوع و انواع مختلف آن‌ها هستیم، و اسنادشان نیز موجود است، باید یک معرفی کلی داشته باشیم تا ببینیم این اسناد چه بوده و چه اطلاعاتی در آن‌ها نوشته می‌شده و چگونه مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند.

۹ تقسیم‌بندی این اسناد چگونه است؟

همان‌طور که اشاره شد، پژوهشگران به شکل کلی این اسناد را به دو گروه تقسیم می‌کنند. به گروه نخست این تقسیم‌بندی متون قانون‌نامه یا اصطلاحات متون قانونی می‌گویند. این اسناد متون قانونی یا قانون‌نامه‌ها مجموعه‌ای از کتیبه‌ها یا اسناد هستند که بر روی آن‌ها قوانین نوشته شده و دارای بندهای قانونی هستند و تبصره‌ها در ذیل آن‌ها ذکر شده است.

۹ درباره قانون‌نامه حمورابی که اشاره کردید، پیش‌تر نیز در حامی عدالت به آن پرداخته‌ایم. آیا قدیمی‌ترین قانون‌نامه در جهان این سند است؟

از معروف‌ترین قانون‌نامه‌ها، می‌توان به قانون‌نامه حمورابی اشاره کرد. تقریباً همگان دست کم نامی از قانون‌نامه حمورابی شنیده‌اند به ویژه که از آن در کتاب‌های درسی مدارس نیز نام برده شده است. در این باره بهتر است یادآوری کنم که در کتاب‌های درسی گفته شده است، حمورابی نخستین متن قانونی جهان به شمار می‌آید که البته این درست نیست. می‌توان گفت قانون حمورابی جامع‌ترین و کامل‌ترین متن حقوقی به شمار می‌رود ولی قدیمی‌ترین آن‌ها نیست.



۹ بنابراین قدیمی‌ترین قانون‌نامه یا متن قانونی جهان کدام است؟

بر اساس تعدادی از متون قانونی که توسط زبان‌شناسان متخصص در حوزه خطوط میخی به دست آشورشناسان خوانده شده است می‌شود گفت که قدیمی‌ترین متن حقوقی که داریم مربوط به سلسله سوم سومر است. این قانون‌نامه با نام قانون‌نامه اورگگین که مربوط به یکی از شاهان این سلسله است از دولت‌شهر لاگاش، که تقریباً مربوط است به حدود ۲۳۸۰ تا ۲۳۶۰ قبل از میلاد یعنی زمانی در حدود ۵۴۰۰ تا ۵۴۰۰ سال قبل به دست آمده است. این سند متن قانون‌نامه‌ای است که خیلی هم کوتاه است و دارای پنج بند قانونی و مجموعه‌ای از تبصره‌هاست.

۹ این قانون‌نامه‌ی اورگگین مهم‌ترین قانون‌نامه باستانی نیز محسوب می‌شود؟

یکی از مهم‌ترین متون قانون‌نامه که شناخته شده و خوانده شده، قانون‌نامه‌ای است که البته مشخص نیست که دقیقاً مربوط به کدام پادشاه است ولی برخی از پژوهشگران معتقد هستند که مربوط به یکی از شاهان سلسله سوم اور است. برخی آن را به اورنمو نسبت داده‌اند و برخی هم آن را به شولگی یعنی جانشین اورنمو نسبت داده‌اند. این متن در یک

بازه زمانی در حدود ۲۱۰۰ تا ۲۰۵۰ قبل از میلاد، یعنی ۴۰۵۰ تا ۴۱۰۰ سال قبل، تاریخ‌گذاری شده و مربوط به سلسله سوم اور است. این سند نیز دارای چندین بند قانونی و چندین تبصره است که بیشتر مربوط به حقوق برده‌ها و فرزندخواندگی و مسائلی از این قبیل است. متون قانون‌نامه دیگری نیز داریم که مربوط به شهرهای دیگری مثل ایسین یا اشنونا در بین‌النهرین است.

۹ این قانون‌نامه‌ها به‌ویژه قانون‌نامه حمورابی که بیشتر از آن نام برده می‌شود، در گذر زمان دچار تغییر نشده‌اند؟

جامع‌ترین متن قانون‌نامه یعنی قانون‌نامه متن حمورابی، تقریباً بین سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۷۵۰ قبل از میلاد این قانون‌نامه کامل شده و شامل ۲۸۲ ماده قانونی است. حمورابی به مناسبت اتمام این قانون‌نامه دستور می‌دهد که سنگی یادمانی ساخته شود و تمام این ماده‌ها و بندهای قانونی و تبصره‌های ذیل آن‌ها را بر روی آن بنویسند. به این ترتیب قانون‌نامه جامعی که کلیه مسائل روز آن دوره را پوشش می‌داده پدید می‌آید که به لوح حمورابی نیز معروف است. شاید جالب باشد بدانید که این لوح حمورابی که در بابل نوشته شده بعداً در شوش به دست آمده است. این موضوع نشان‌دهنده نکته مهمی است که نشان می‌دهد که این لوح در سال ۱۱۰۰ قبل از میلاد وقتی شاه ایلام یعنی شوتروک- ناهونته به بین‌النهرین حمله می‌کند و بابل را تصرف می‌کند، یک سری از آثار مهم بابلی را از معبد بابل با خود به شوش می‌آورد که یکی از آن‌ها همین قانون‌نامه حمورابی بوده است. او دستور می‌دهد که قسمت پایین قانون‌نامه و چهار بند آخرش را پاک کنند و کتیبه‌ای از خودش در آن جای دهند. البته بعدها این قانون‌نامه با کاوش‌هایی که فرانسوی‌ها در شوش انجام می‌دهند در اوایل قرن بیستم به دست آمده است. این نکته را نیز اضافه کنم که خوشبختانه ما آن چهاربندی را که شوتروک- ناهونته از حمورابی پاک کرد را هم در اختیار داریم زیرا پیش از پاک کردن آن چهار بند، از روی قانون‌نامه حمورابی رونویسی‌های متعددی انجام شده بوده که در کتیبه‌های گلی در معابد مختلفی نگهداری می‌شده است. این کتیبه‌ها احتمالاً برای امور حقوقی استفاده می‌شده است. بر اساس آن‌ها این چهار ماده قانونی موجود است.

۹ از قانون‌نامه‌های دیگر بگویید.

بعد از قانون‌نامه حمورابی قانون‌نامه‌های دیگری مانند قوانین آشوری در اختیار داریم مانند دوره آشور نو در بازه سال‌های ۱۲۰۰ تا ۱۰۰۰ قبل از میلاد. این‌ها مجموعه‌ای هستند از قوانین نوشته شده و یا قوانین دیگری که در بابل در هزاره اول قبل از میلاد نوشته شده است. در کنار این‌ها یک سری قوانین را نیز داریم که در اسناد عیلامی شناسایی شده است. از آن‌جا که قانون‌نامه‌های آن‌ها به دست نیامده، نمی‌توانیم بگوییم که مربوط به کدام قانون‌نامه است و تنها به صورت تک بند قانونی موجود هستند.

قانون مربوط به هیتی‌ها که گفتیم در آسیای صغیر ترکیه امروزی بودند هم از قانون‌نامه‌های خود در نیمه‌های هزاره دوم قبل از میلاد به دست آمده است. تا به این‌جا مروری داشتیم بر اسناد حقوقی گروه اول، یعنی گروه قانون‌نامه‌ها.

همان‌طور که اشاره کردید تا به این‌جا مروری داشتیم بر قانون‌نامه‌ها، اکنون گفت‌وگو را در ارتباط با اسناد گروه دوم ادامه دهیم.

می‌شود گفت گروه دوم اسناد حقوقی متن‌هایی هستند که این بندهای قانونی در آن‌ها مورد استفاده قرار گرفته و شامل طیف گسترده‌ای از مدارک مختلف هستند. این گروه گاه از بایگانی‌های اداری مختلف در محدوده‌ای که اشاره کردیم یعنی عیلام، بین‌النهرین، آسیای صغیر در دوره‌ای مانند دوره هخامنشی، از ایران نیز فراتر رفته و حتی تا مصر و افغانستان هم پیش رفته است. بنابراین ما با طیف گسترده‌ای از

زمانی که بشر به دشت‌ها می‌آید و به سمت زندگی مبتنی بر کشاورزی و دامداری حرکت می‌کند و به مرور روستاها شکل می‌گیرد و کم‌کم خصلت مالکیت‌طلبی یا حس مالکیت در بشر ایجاد می‌شود، احتمال می‌رود که یک سری از قراردادهای یا قوانین حقوقی نیز شکل گرفته باشد. شاید به دلیل این‌که در آن زمان نگارش و کتابت وجود نداشته انتقال و بیان این قوانین به شکل شفاهی صورت می‌گرفته است.

ادامه از صفحه قبل

اسناد رو به رو هستیم. اگر تعداد متون قانون‌نامه‌ای یعنی تعداد اسنادی که مربوط به قانون‌نامه‌هاست کم و محدود است، اما در مقابل ده‌ها هزار سند میخی وجود دارد که روی آن‌ها این قوانین درج شده است. پژوهشگران این اسناد میخی را برای مطالعه به دسته‌بندی‌های ریزتری تقسیم کرده‌اند تا جایی که بسیاری از پژوهشگران تنها متخصص یک بخش هستند.

این تقسیم‌بندی‌ها تقسیم‌بندی قراردادی است و ما برای روشن شدن موضوع، تنها نگاهی کلی به آن‌ها خواهیم داشت.

نکات بارز در این قانون‌نامه‌ها چیست؟

نکته نخست این که در متون قانون‌نامه‌ها بر اساس جایگاه و طبقه‌بندی‌های اجتماعی زمان خود، قوانینی را برای طبقات مختلف اجتماع در نظر می‌گرفته‌اند. برای مثال در یک بند حقوقی، درباره ازدواج توضیح داده شده است. حال اگر این ازدواج در طبقه بالای اجتماع باشد دارای یک سری شاخص‌ها و تبصره‌های خاص است و اگر در طبقه متوسط جامعه باشد نیز یک سری شاخص‌های دیگر دارد. اگر در طبقه پایین جامعه که شامل برده‌ها، اسرای جنگی و اقشاری از این دست بوده‌اند نیز باشد، ویژگی‌های خاص دیگری خواهد داشت. حتی درباره ارثیه و فرزند و ... نیز همین طبقه‌بندی اجتماعی در نظر گرفته می‌شده است. در این بین یک سری از قوانین نیز عام‌تر و کلی‌تر است.

امروزه بر اساس نوع اسنادی که در کاوش‌های متعدد باستان‌شناسی به دست آمده و آشورشناسان در طول حداقل صد و پنجاه سال اخیر توانسته‌اند بخوانند، یک طبقه‌بندی برای کاربرد این اسناد و قوانین حقوقی ارائه کرده‌اند.

این طبقه‌بندی اسناد چگونه است؟

این قوانین را به صورت تیتروار می‌توان نام برد. یکی از آن‌ها قوانین معابد است که در آن به نکات مختلفی مربوط به معبد اشاره شده است. برای مورد دیگر می‌توان به قوانین مالکیت اشاره کرد که به طور عمده بحث املاک را مد نظر قرار داده است. اسناد زیادی از دوره‌های مختلف درباره این قانون مالکیت املاک که شامل خرید و فروش زمین‌ها و حتی قوانین مربوط به اجاره دادن زمین‌ها است را در اختیار داریم.

در مصاحبه‌های پیشین به قوانین بانکی درج شده در باستان نیز اشاره شده است. آیا در این طبقه‌بندی به قوانین بانکی نیز اشاره شده است؟

مجموعه‌ای از قوانین را نیز در اختیار داریم که می‌توان آن‌ها را به عنوان قوانین بانکی در نظر گرفت. که شامل قرض یا وام گرفتن است و هر چه به سمت جدیدتر مانند دوره بابل نو و هخامنشی می‌آییم بر حجم آن‌ها افزوده می‌شود. مثلاً در دوره هخامنشی حدود ۴ هزار لوح گلی بایگانی مربوط به خانواده‌ای در بابل به دست آمده است. این خانواده که نام‌شان اگیبی بوده، در زمینه املاک فعالیت داشته‌اند؛ به این معنی که زمین اجاره می‌داده و وام نیز پرداخت می‌کرده‌اند. قوانین مختلفی که در اسناد مربوط به فعالیت آنان وجود دارد به ثبت رسیده است.

گروه دیگر قوانین مربوط به تجارت است. قوانین مربوط به استخدام نیروهای کار می‌توانسته به شکل نیروهای کارمندی یا کارگری باشد یا حتی مربوط به استخدام کردن اسرای جنگی یا برده‌ها که هر کدام قوانین و مقررات خاص خودشان را داشته و اسناد هر کدام نیز موجود است.

به جز تجارت و خرید و فروش و اجاره زمین، مورد دیگری در این طبقه‌بندی جای می‌گیرد؟

گروه دیگر قوانین مربوط به خانواده است که این قوانین خانواده، خود شامل طیف وسیعی است. اسناد حقوقی مربوط به ازدواج، طلاق، فرزندآوری، بیوه‌شدن، فرزندخواندگی، ارث و میراث، و ... جزو همین طیف بوده و در زمره اسناد مربوط به متون حقوقی خانواده قرار می‌گیرد. تعداد زیادی از این اسناد هم‌اکنون موجود است.

گروه دیگر متون در زمینه حقوقی - قضایی به شمار می‌روند

که مربوط به مجازات‌های انواع مختلف تخلف و سرپیچی از قوانین ذکر شده در این اسناد حقوقی هستند.

می‌شود اشاره‌ای به اساس شکل‌گیری این قوانین داشته باشید؟

اگر درباره این مسئله که چگونه قراردادها و قوانین حقوقی شکل گرفته است، بخواهیم صحبت کنیم باید کمی به گذشته دورتر و زمانی به احتمال زیاد در دوره نوسنگی یعنی ۹ هزار سال قبل از میلاد و به عبارتی ۱۱ هزار سال پیش نگاهی داشته باشیم. این بازه زمانی در برخی از مناطق ممکن است کمی عقب‌تر یا جلوتر نیز باشد. زمانی که تخمین زده شده، حدودی است.

زمانی که بشر به دشت‌ها می‌آید و به سمت زندگی مبتنی بر کشاورزی و دامداری حرکت می‌کند و به مرور روستاها شکل می‌گیرد و کم‌کم خصلت مالکیت‌طلبی یا حس مالکیت در بشر ایجاد می‌شود، احتمال می‌رود که یک سری از قراردادها یا قوانین حقوقی نیز شکل گرفته باشد. شاید به دلیل این که در آن زمان نگارش و کتابت وجود نداشته انتقال و بیان این قوانین به شکل شفاهی صورت می‌گرفته است. به دلیل همین شفاهی بودن ما نمی‌توانیم درباره‌ی ماهیت این نوع قوانین یا قراردادها صحبت کنیم.

پس بر اساس چه دیدگاهی می‌توان گفت که این قوانین وجود داشته و به صورت شفاهی به کار می‌رفته است؟

بر اساس مهرها و اثرمهرهایی که در این دوره در مناطق مختلفی که مورد کاوش باستان‌شناسی قرار گرفته می‌توان این نظر را داد. به طور مثال در حوزه ایران از محوطه‌های چغامیش، چغابنوط در خوزستان، تله با کون در فارس، محوطه سیلک در کاشان و خیلی از محوطه‌های دیگری که بتوانیم معرفی کنیم از هزاره هفتم، ششم و پنجم قبل از میلاد، این نوع مهرها و اثرمهرها دیده می‌شوند. در گفت‌وگویی دکتر علیرضا سرداری به طور مفصل به مبحث مهرها پرداختند ولی در این گفت‌وگو می‌توانیم از آن‌ها به عنوان نمادی برای وجود قانون اشاره کنیم. مهر به عنوان یک نماد هویتی شکل گرفته و ابداع شده است. افراد از این مهرها استفاده‌های حقوقی نیز داشته‌اند. به طور مثال کالاهایی را که برای تجارت از یک نقطه به نقطه دیگر جا به جا می‌شده است مهر می‌کرده‌اند. در تل‌باکون سازه بزرگی وجود دارد که مربوط به هزاره پنجم پیش از میلاد است. به نظر می‌آید این سازه به عنوان مرکزی برای انبار و نگهداری کالاهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

به نظر می‌آید افرادی که کالاهای خود را در آن‌جا قرار می‌داده‌اند و یا با هم تبادل می‌کرده‌اند، کالاهای خود را مهر نیز می‌کرده‌اند و در واقع با این کار باری حقوقی به کالاهای خود می‌داده‌اند تا مشخص باشد متعلق به کیست.



اگر بخواهیم در این رابطه صحبت کنیم بحث مفصلی را می‌طلبد که در این مجال نمی‌گنجد ولی این موارد به عنوان نشانه‌ای از شکل‌گیری قوانین حقوقی یا قراردادهای حقوقی اولیه به شمار می‌رود، ولو این که همان‌طور که گفته شد، شفاهی بوده و مکتوب نباشند. تاکید می‌کنم که تنها بر اساس ردی که از مهرها و اثرمهرها و توکن‌ها به دست آمده است می‌توانیم به وجود این قوانین شفاهی اذعان کنیم ولی مکتوب نشده‌اند.

در ادامه طبقه‌بندی اسناد حقوقی که تا حقوق جزایی و قضایی پیش رفتیم، مورد دیگری را نیز می‌توان در نظر گرفت؟

کمی که جلوتر برویم با ابداع نگارش در حدود ۳۴۰۰ سال قبل از میلاد در بین‌النهرین توسط سومری‌ها و در جنوب غربی ایران توسط عیلامی‌ها ما اسنادی را داریم که به عنوان اسناد شمارشی یا اسناد خط تصویری اولیه یا اصطلاحاً آغاز عیلامی نام دارند. در این زمان کم‌کم وارد کاربرد دیدگاه‌های مختلف درباره ثبت و ضبط مدارک می‌شویم که بخشی از آن‌ها اسناد و مدارک حقوقی است.

یکی از مهم‌ترین متون قانون‌نامه که شناخته شده و خوانده شده، قانون‌نامه‌ای است که البته مشخص نیست که دقیقاً مربوط به کدام پادشاه است ولی برخی از پژوهشگران معتقد هستند که مربوط به یکی از شاهان سلسله سوم اور است. برخی آن را به اورنمو نسبت داده‌اند و برخی هم آن را به شولگی یعنی جانشین اورنمو نسبت داده‌اند.

حضرت علی (ع):

تندخویی دیوانگی است؛

چراکه تندخو پیشیمان می شود

و اگر پیشیمان نشود دیوانگی او پابرجاست.

صاحب امتیاز،
مرکز و کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده
مدیر مسئول، حسن عبدلیان پور
زیر نظر شورای سیاست گذاری
رئیس شورای سیاست گذاری و سردبیر، منصور مظفری
آدرس: تهران - پلوار نلسون ماندلا،
کوچه گلنم پلاک ۵۴، تلفن: ۰۲۱-۲۳۰۵۵۱۱۱
امور آگهی ها و ارتباط با هفته نامه،
۰۹۰۲۳۰۵۵۱۲۳
توزیع: موسسه نشر گستر امروز ۶۶۲۸۳۲۴۴
چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۸۲۸۱۴
hamiedalat99@gmail.com

حقوق نفت و گاز و الزامات قراردادی

آرام سلیمی منش - پژوهشگر حوزه حقوق

رعایت حداقل سهم ایرانی دولت ها

با درک اهمیت حفظ استقلال و کاهش وابستگی به شرکت ها و دولت های خارجی به دنبال آن هستند تا با به کارگیری روش های مختلف، استقلال نفتی خود را حفظ کرده و مانع وابستگی کامل به طرف خارجی شوند. در نتیجه عموماً در قراردادهای شروطنی درج می کنند تا از طریق آن بتوانند فناوری و تکنولوژی را وارد کشور خود کرده و یا آنکه بخشی از درآمدهای حاصل از طرح های نفتی را در اختیار پیمانکاران داخلی قرار دهند. به عنوان مثال در قراردادهای خرید خدمت عراق، پیمانکار خارجی موظف است تا به میزان ۲۵ درصد با یک شرکت عراقی شریک شده و سهم این شرکت را نیز سرمایه گذار خارجی تامین کند.

پذیرش ریسک عملیات نفتی توسط پیمانکار

به صورت کلی در قراردادهای نفتی سه مدل خطر پذیری وجود دارد، مدلی که در آن ریسک عدم موفقیت در فعالیت های نفتی کلاً بر عهده سرمایه گذار است، مدلی که ریسک میان دولت صاحب مخزن و سرمایه گذار مشترک است و مدل آخر که در آن ریسک و مخاطرات بر عهده دولت سرمایه پذیر است. امروزه در عموم قراردادهای نفتی دولت ها به دنبال جذب سرمایه خارجی اند اما با توجه به اینکه عملیات نفتی هزینه های سنگینی به همراه دارند در پی آن هستند تا ریسک احتمالی فعالیت های نفتی را بر پیمانکار محول کنند تا کمترین میزان ریسک متوجه دولت سرمایه پذیر باشد در غیر این صورت تضمین بازپرداخت هزینه های نفتی از سوی دولت، سرمایه پذیری نیست بلکه نوعی سرمایه گذاری است که می تواند هزینه های زیادی برای دولت ها ایجاد کند.

بررسی ورود پیمانکار به مرحله تولید

پس از قانون نفت ۱۳۵۳ ورود پیمانکار خارجی به مرحله تولید و بهره برداری به صراحت ماده ۱۴ ممنوع شد. طبق آن قانون همزمان با آغاز مرحله تولید تجاری، پیمانکار موظف بود تا مخزن را در اختیار کارفرمای ایرانی قرار داده تا از آن مرحله به بعد شرکت ملی نفت ایران به تنهایی تولید و بهره برداری از مخزن را انجام دهد. این مدل قراردادی، نوعی قرارداد خدماتی ایجاد کرد که بعدها منشا همان قراردادی شد که به واسطه خصوصیات خاص خود به بیع متقابل معروف شد. قراردادهای بیع متقابل در ابتدا صرفاً برای توسعه مخازن استفاده می شد، بعدها تغییر جدی در این قرارداد ایجاد شد و مرحله اکتشاف نیز به صورت توأمان به مرحله توسعه اضافه شد اما باز هم پیمانکار حق ورود به مرحله بهره برداری را نداشت.

الزامات زیست محیطی

عموماً فعالیت های نفتی بالاخص در سطح بالادستی آلودگی زیست محیطی به همراه دارند. به همین دلیل در بیشتر قراردادهای نفتی دولت ها با درج الزامات و شروط قراردادی به دنبال به حداقل رساندن آلودگی های زیست محیطی عملیات نفتی هستند. ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست نیز هر عملی که منجر به آلودگی محیط زیست شود را ممنوع می کند. آیین نامه ارزیابی اثرات زیست محیطی طرح ها و پروژه های بزرگ تولیدی، خدماتی و عمرانی نیز ترتیبی را جهت مطالعه پیرامون اثرات زیست محیطی طرح های صنعتی پیش بینی و الزامی کرده است. با توجه به اهمیت مباحث زیست محیطی، قراردادهای آی. پی. سی نیز الزاماتی را به منظور حفاظت از محیط زیست مقرر کرده است. بند ح ماده ۳ مصوبه هیئت وزیران «انجام مطالعات ارزیابی زیست محیطی و رعایت مقررات و ملاحظات ایمنی، بهداشتی، زیست محیطی و اجتماعی در اجرای طرح ها» را جزء تعهدات قراردادی سرمایه گذار خارجی قرار داد.



تولید صیانتی

تولید صیانتی مفهومی فنی است که به دفعات در قوانین مختلف ایران مورد اشاره قرار گرفته لذا نشان از اهمیت آن برای کارفرمای ایرانی دارد. بند ۷ قانون نفت اصلاحی ۱۳۹۰ تولید صیانتی را «کلیه عملیاتی که منجر به برداشت بهینه و حداکثری ارزش اقتصادی تولید از منابع نفتی کشور در طول عمر منابع مذکور می شود و باعث جلوگیری از اتلاف ذخایر در چرخه تولید نفت بر اساس سیاست های مصوب می گردد» تعریف می کند. تولید صیانتی بدین معناست که متناسب با مختصات و مشخصات مخزن بیشترین میزان تولید از مخزن را داشت با این شرط که به مخزن و طول عمر آن کمترین آسیب ممکن برسد.

عدم تضمین بازگشت اصل سرمایه و سود

به صورت کلی هدف نهایی تمامی سرمایه گذاران از سرمایه گذاری در میادین نفتی کسب سود و منفعت است بنابراین سرمایه گذار در قدم نخست به دنبال بازگشت اصل سرمایه و پس از آن کسب سود از محصل فعالیت های انجام شده خود است. با توجه به ریسک بالایی که سرمایه گذاری در کشور دیگر دارد قاعدتاً پیمانکار به دنبال آن است تا با درج شرایط و تعهداتی در طرح های سرمایه گذاری تا حد ممکن تضمینی برای بازگشت اصل سود و سرمایه خود داشته باشد.

به عنوان مثال عموماً در طرح های سرمایه گذاری از طریق اوراق قرضه یا مشارکت نهاد سرمایه پذیر در تعهدی حداقلی، بازگشت اصل سرمایه را تضمین می کند. با این حال این موضوع در میادین و مخازن نفتی متفاوت است. با توجه به هزینه سنگین مورد نیاز برای انجام فعالیت های نفتی و همچنین ریسک بالای عملیات نفتی، دولت ها عموماً حاضر نیستند تا بازگشت اصل سرمایه را تضمین کنند. چنین مسئله ای در حقوق ایران عملاً تبدیل به الزامی حقوقی شده است.

منوط کردن بازگشت اصل سرمایه

از طریق اختصاص بخشی از تولیدات تعیین شیوه و چگونگی بازگشت اصل سرمایه و سود پیمانکار یکی از مهم ترین بخش های مالی قراردادهای نفتی است. اساساً به نظر می رسد این نظام مالی حاکم بر قراردادهای نفتی است که تمایز دهنده چارچوب اصلی قراردادهای نفتی از یکدیگرند، زیرا جز در نظام مالی حاکم بر قراردادهای به نظر می رسد سایر بخش ها و قسمت های قراردادهای نفتی تفاوت و تمایز آن چنانی با یکدیگر نداشته باشند. در قراردادهای جدید ایران هزینه های نفتی به هزینه های مستقیم، هزینه های غیرمستقیم، هزینه های تامین مالی و هزینه های بهره برداری تقسیم شده است.

حامی عدالت: اقتصاد یکی از مهم ترین نیازهای جوامع بشری است که همیشه مورد توجه بوده و موجب پیشرفت و بالندگی می شود. دولت ها از دریچه اقتصاد مفهوم تازه ای به خود می گیرند و در قالب نظام اقتصادی اقدام به تدوین اقتصاد سیاسی کشور متبوع خویش می کنند.

ارزیابی سیر تحول قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز کشور در دوره استقرار نظام جمهوری اسلامی، بیانگر آن است که در طی سال های ۱۳۷۱-۱۳۵۸. ش تقریباً هیچ نوع قرارداد متعارف و بلندمدتی منعقد نشده بود.

الزامات قراردادهای نفت و گاز چیست؟

در حالیکه در بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۷۲. ش سه نسل از قراردادهای خدماتی ایران موسوم به «بیع متقابل» طراحی و عملیاتی گشته اند. در کشور ما نیز با توجه به وجود نیروی انسانی مستعد و ذخایر فراوان نفتی و گازی تعیین مدل قراردادی منطبق با نیازهای کشور، قانون اساسی و در عین حال ایجاد زمینه تعامل اقتصادی با دنیای مدرن امری لازم و ضروری است.

مالکیت و حاکمیت

بر مبنای فقه شیعه مخازن نفت و گازی زیر مجموعه معادن و معادن نیز جزئی از انفال است. انفال بودن مخازن نفتی دارای اثرات حقوقی است از جمله آن که انفال طبق اصل ۴۵ قانون اساسی در اختیار حاکمیت اسلامی است، بنابراین به هیچ عنوان نمی توان مالکیت انفال را به دیگری انتقال داد. از طرف دیگر ماده ۱ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت و همچنین ماده ۱۷ قانون نفت اصلاحی ۱۳۹۰، صراحتاً اعمال حق مالکیت و حاکمیت بر ذخایر نفت و گازی را از طرف حاکمیت اسلامی بر عهده وزارت نفت گذاشته؛ بنابراین طبق قوانین ایران مطلقاً نمی توان مالکیت نفت در جا، مخزن و نفت سرچاه را به دیگری انتقال داد و یا نسبت به آنان با دیگری شریک شد. البته این موضوع نافی انعقاد قراردادهای تجاری و انتقال مالکیت از طریق قراردادهای فروش نیست.

مشارکت در عملیات نفتی

همان طور که عنوان شد به سبب انفال بودن مخازن نفتی، امکان انتقال مالکیت آنان در هیچ حالتی اعم از مشارکت و غیر آن امکان پذیر نیست. اساساً به همین دلیل است که امکان انعقاد قراردادهای مشارکت در تولید در ساختار حقوقی ایران مهیا نیست، زیرا در قراردادهای مشارکت در تولید پیمانکار برای طول دوره قراردادی نسبت به بخشی از تولید حق پیدا کرده و کارفرما موظف است پس از کسر نفت هزینه، الباقی را به عنوان سهم و سود عملیات بین خود و شرکت نفتی تقسیم کند. این در حالی است که بخش ۳ بند ت ماده ۱۱ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت طراحی الگوهای جدید قراردادی از جمله مشارکت با سرمایه گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی با این پیش شرط که مالکیت مخازن نفت و گاز به دیگری منتقل نشود را از جمله وظایف وزارت نفت قرار داده است. در رفع تعارض شکل گرفته می توان عنوان کرد هر قرارداد مشارکتی، مشارکت در تولید نیست، مثلاً در قراردادهای مشارکت در عملیات، طرفین قرارداد در اجرای عملیات نفتی مشارکت دارند ولی این مشارکت سهمی از تولیدات برای پیمانکار به همراه ندارد؛ بنابراین منطبق با قوانین داخلی می توان قرارداد مشارکتی تنظیم کرد که منجر به انتقال مالکیت نشده و سهمی در تولیدات برای پیمانکار ایجاد نکند.